

بازتفسیر اصول هویت بخش خانه ایرانی در آثار معماران دوره پهلوی دوم بر اساس تغییر نقش زن در خانواده و جامعه*

الناز امیرزاده دانا^۱ - مریم ارمغان^{۲*} - ماندانا یوسفی^۳ - سمیه سادات شفیعی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۲. دانشیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۴. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

چکیده

در اوایل قرن چهاردهم خورشیدی، ساختار خانه ایرانی متحول و همزمان با تغییر ساختار حکومتی و شیوه دیوان سالاری، سبک زندگی خانواده و نقش افراد به‌ویژه زنان، دچار تغییراتی اساسی گردید و به تدریج خانه‌های ویلایی فارغ از ریشه‌های تاریخی، جایگزین خانه‌های سنتی ایرانی شدند. در دهه چهل، بعد از رونق ساخت و ساز، به واسطه فروش نفت و تحول شکوفایی اندیشه معماران تحصیل کرده دانشکده هنرهای زیبا، هویت خانه ایرانی با توجه به سبک زندگی تازه و تحول نقش افراد، بازتعریف و با ریشه‌های تاریخی خود ارتباط تازه‌ای یافت. مسأله و هدف این پژوهش، بررسی چگونگی بازتعریف اصول هویت بخش خانه ایرانی، براساس تحول در نظام خانواده و تغییر نقش زن در آثار معماران فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا می‌باشد. بر این اساس پژوهش به روش ترکیبی، در گام اول به روش کیفی و با مطالعات کتابخانه‌ای به صورت توصیفی - تحلیلی به بررسی اصول هویت بخش خانه ایرانی پرداخته و در گام بعد، مؤلفه‌های استخراجی از گام اول، به روش تطبیقی در جامعه نمونه، که شامل انتخاب هدفمند از خانه‌های منتخب این معماران، بررسی تا تغییرات از خلال تغییر نقش افراد به‌ویژه زنان، تحلیل گردد. نتایج تحقیق نشان‌گر بازتعریف اصول فراموش شده خانه ایرانی؛ خلوت، تنوع و انعطاف‌پذیری، ارتباطات اجتماعی، محرمیت و ارتباط با طبیعت، با توجه به بازتعریف نقش زن و نظام خانواده در اندیشه معماران فارغ‌التحصیل هنرهای زیبا است؛ اصولی که به واسطه حضور معماران تحصیل کرده فرنگی در برخورد با اندیشه مدرن جهانی، کنار گذاشته شده بود.

واژگان کلیدی: هویت خانه ایرانی، معماران پهلوی دوم، نقش زن و خانواده.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بررسی ساختار فضایی-کالبدی خانه بر اساس تغییر نقش زن در خانواده و جامعه (خانه‌های پهلوی)» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در حال انجام است.
** E-mail: armaghan@iaau.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

خانه ایرانی، هویتی است برآمده از عقاید و باور ایرانیان، که در طول زمان قوام یافته و همواره ضامن امنیت و آرامش و برآورد نیازهای جسمی، روانی و روحانی آنان بوده است. این هویت ریشه‌دار، در دوره‌ی ناصری بر اثر گسترش ارتباطات با جهان غرب و ظهور فناوری‌های نوین، دچار دگرگونی شده و تحت تأثیر فرهنگ و منش غربی قرار گرفت (Sarmi 1996, 59). این تأثیرات ابتدا در تزیینات و سپس در دوران مشروطه تغییرات در ساختار را تجربه نمود و به تدریج از ریشه‌های کهن خود فاصله گرفت (Haghir 2022; Mokhtari Taleghani 2017; Bani Masoud 2011; Bavar 2009; Qobadian 2007) و در دوران پهلوی اول همگام با جریان معماری مدرن که خواهان گسست از ریشه‌ها و نمادهای تاریخی بود، متحول گردید (Kiani 2003, 8).

شهریور ۱۳۲۰ مقران با پایان دوران پهلوی اول، آستان دو جریان بزرگ در حوزه معماری است؛ اول رکود پروژه‌های بزرگ شهری به واسطه جنگ که پای معماران صاحب سبک را به حوزه ساخت خانه وارد نمود (Bavar 2009)، دوم شروع کار جدی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، که دو سال از تأسیس آن گذشته و با گردآوری هنرمندان مختلف، آینده هنر ایران را تضمین نمود (Saremi 1996, 30). واقعه اول ساختار خانه را فارغ از سیر تاریخی گذشته دگرگون کرد و جریانات دوم، کانونی برای هنرمندان در جهت رسیدن به هنر ناب ساخت که نقش موثری در بازاندیشی هنر و معماری بازی کرد و ماحصل آن در در خانه‌های معماران پهلوی دوم (۱۳۴۰-۱۳۵۷) جلوه نمود. این خانه‌ها به واسطه حضور اساتید تحصیل کرده ایتالیا در بدنه آموزشی دانشگاه (Bavar 2023)، پختگی اندیشه معماران فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبا و و همزمان با جریان پست‌مدرن در معماری جهانی؛ توجه به تاریخ و ریشه‌های فرهنگی را در دستور کار خود قرار داده بود و خانه با هویت اصیل خود، ارتباط تازه‌ای یافت و ساختار فضایی کالبدی آن، تغییرات اساسی پذیرفت (Kiani 2003, Bani-Masoud 2011; Bavar 2009; Mohammadzadeh Mehr 2009).

در همین اثنا، در جریان توسعه و نوسازی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و نظامات اداری و دیوان سالاری، تعریف طبقات تازه اجتماعی و بازتعریف زندگی شهری، خانواده ایرانی دستخوش تغییرات اساسی شد و در گذار از خانواده گسترده، نقش افراد، روابط عاطفی و ارتباطات اجتماعی بین نسلی بازتعریف شد (Behnam 2013) و زنان که ابتدا برای ایفای نقشی مادری به علم و تحصیلات تجهیز شده بودند (Dolatabadi 1946)، با پرنگ شدن حضورشان در جامعه، به عنوان عضوی موثر، در جامعه و خانه اعتبار یافتند؛ «همان‌گونه که حجاب از سرزنان برداشته شد، حجاب از خانه‌ها رخت بست و خانه به سمت

بیرون چهره گشود» (Vartan 1946, 20). بنابراین سازمان خانه ایرانی، با توجه به تحول نقش زنان در ساختار خانواده و به تبع آن جامعه، توسط این معماران، بازتعریف گردید (Vartan 1946; Alizadeh 1969; Kalantari 2017; Bavar 2023).

با نگاه به معماری امروز می‌توان بیان نمود، گذار از خانه‌های مبتنی بر اصول ریشه‌دار و باارزش ایرانی به مسکن بی‌هویت امروز، بیانگر بحران کنونی در امر ساخت خانه در مقیاس محله و شهرها در ایران است و ثمر آن، خانه‌های پرشماری است که به دور از هویت ملی و بومی در همه سطوح شهر به چشم می‌آیند. آن‌چه در این پژوهش مدنظر است، دستیابی به جوهره معماری خانه ایرانی، و بازتعریف آن، به واسطه تغییر ساختار خانواده و نقش زن در بستر فرآیند نوسازی به دست معماران هویت‌مدار ایرانی است که می‌تواند به عنوان معیارهای اصیل و باارزش، به شریان معماری مسکونی امروز وارد شده و آن را از ورطه بی‌ریشگی که امروز بدان دچار گشته رهایی بخشد. بر این اساس مسئله اصلی در پژوهش پیش رو، هویت خانه ایرانی و بازتعریف آن در خانه‌های ویلایی طراحی‌شده‌ی معماران فارغ‌التحصیل هنرهای زیبا (۱۳۴۰-۱۳۵۷) و چگونگی تأثیر ساختار فضایی- کالبدی خانه، بر نقش زن در خانواده و جامعه و با هدف خوانش ساختار فضایی- کالبدی این خانه‌ها است، تا تغییر ساختارها را از نگاه تغییر نقش زن نگاه نمود که بتوان در این بازار پرآشوب، راه‌حل مناسبی برای طراحی خانه، با توجه به نقش و جایگاه زن امروز یافت.

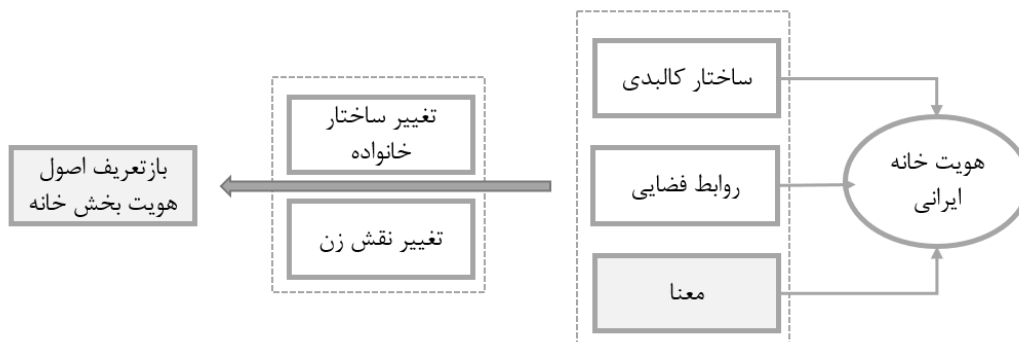
۲. روش پژوهش

این پژوهش به روش ترکیبی و در دو گام صورت گرفته، در گام اول با روش کیفی و با مطالعات کتابخانه‌ای به صورت توصیفی- تحلیلی، ادبیات موضوع به منظور استخراج مؤلفه‌های اصول هویت‌بخش خانه ایرانی مورد بررسی قرار گرفت. در گام دوم مؤلفه‌های استخراجی از گام اول، به روش تطبیقی در جامعه نمونه، بررسی گردید تا تغییرات ساختار فضایی- کالبدی، از نگاه تغییر ساختار خانواده و تغییر نقش افراد، تبیین گردد. جمع‌آوری داده از طریق بررسی اسناد، مشاهدات میدانی، منابع شفاهی و مطالعات کتابخانه‌ای است. برای انتخاب نمونه موردی لیستی از معماران هویت‌مدار ایرانی که همگی فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران بوده و در یادداشت‌ها و مصاحبه‌های خود بر دغدغه احیاء معماری و گرایش به معنا تاکید دارند. در بازه زمانی پهلوی دوم با انتخاب ایرج کلانتری، علی‌اکبر صارمی، سیروس باور، کامران دیبا، محمدرضا نادرپور، فرهاد احمدی، فرخ اصالت و ایرج یمین اسفندیاری و به صورت هدفمند از هر معمار یک اثر شاخص که اسناد و تصاویر آن موجود بوده، بر اساس بیش‌ترین انطباق با معیارهای فوق انتخاب شد تا تحلیل‌ها

ساختار فضایی کالبدی خانه ایرانی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در نهایت در جدول تطبیقی رابطه تغییر نقش زن و اصول ساختار فضایی کالبدی خانه، ارائه گردید.

از پشتوانه علمی و روش‌مند برخوردار باشد، و با توجه به بررسی اندیشه این افراد، در مجلات، مصاحبه‌ها و کتب، اطلاعات و اسناد، براساس مؤلفه‌های متغیر وابسته، یعنی

شکل ۱: رابطه سه‌گانه بررسی‌شده در پژوهش حاضر



al. 2006, 56) در نتیجه، عملکرد خانواده از جنبه ساختار و کارکرد دگرگون شد (Azad Armaki 2019, 72) و خانواده هسته‌ای مبتنی بر روابط برابر زن و مرد را سبب گردید.

در ساختار اقتصاد سنتی ایران، به واسطه اهمیت زمین، کشاورزی، آب و نظام توزیع و بهره‌برداری از آن و لزوم تأمین امنیت زمین، آب و محصولات کشاورزی، چینی‌پدرسالارانه را خواستار بود و پدر و مرد به عنوان مهم‌ترین رکن تأمین‌کننده اقتصاد خانواده، مدیریت و هدایت نیروی کار را بر عهده داشته و همه اعضای خانواده مجبور به اطاعت از آن بودند در چنین ساختاری وضعیت اسفباری برای زنان حکمفرما بود (Qajar 2021, 98). نقش اصلی زن تنها در خانواده، به صرف تهیه غذا و مراقبت از فرزندان و رسیدگی به امور خانه و کارهای خانگی، معنا می‌یافت، اما در ساختار اقتصادی مبتنی بر صنعت، زنان نیز می‌توانند در کنار مردان دارای استقلال مالی گشته بنابراین به تدریج هویتی مستقل یابند (Anonymous, 1967, 20-24).

۳-۲- سیر تغییر نقش زنان در دوران پهلوی دوم

تغییر نقش زنان ایرانی، که به واسطه آموزش، چاپ نشریات، انجمن‌های زنان در دوران مشروطه آغاز و به واسطه اصلاح قوانینی همچون سن و کاهش تعدد ازدواج در دهه ۲۰، ادامه یافته بود. به واسطه آزادی‌های مطبوعات در دهه ۳۰ قوت گرفت، در دهه ۴۰ به دلیل بحران اقتصادی، محمدرضا پهلوی برای دریافت کمک‌های فوق‌العاده از صندوق بین‌المللی پول و ایالت متحده، وادار به تدوین برخی برنامه‌های توسعه‌ی لیبرالی گردید که ماحصل آن طرح شش ماده‌ای معروف به انقلاب سفید بود که حق رای زنان از جمله موارد آن است (Abrahamian, 2005, 518-522). در دهه‌ی پنجاه جریان ایجاد تغییر

۳. ادبیات پژوهش

تغییر شرایط عینی حیات اجتماعی؛ مدرنیته، نسبتی با تجربه‌های ذهنی کنشگران داشته، به نحوی که تغییرات بیرونی به واکنش‌های شناختی عاطفی خاصی منجر می‌گردد. به واقع نوع تجربه مدرنیته، بر کیفیت آن و تجربه فردی کنشگران موثر بوده است (Berman 1982, 35). بنابراین، مدرنیته، تغییرات نهادی که به تغییر شرایط زیست اجتماعی و تغییر سبک زندگی، منجر شده که در ایران این مهم، با تغییر شیوه تولید اقتصادی، تغییرات فرهنگی و نظام اجتماعی به ثمر رسید و از طریق افزایش جمعیت و مهاجرت به پشتوانه سیاست‌های بهداشتی، رفاه و رونق کار در شهرها، گسترش یافت (Sanasarian 2005, 32).

۳-۱- مدرنیته و هویت‌یابی فردی زنان در خانواده و جامعه

در جریان نوسازی، مهم‌ترین تغییر در سطح خانواده، به واسطه افزایش سطح تحصیلات به‌ویژه برای زنان، افزایش سن ازدواج، نگرش‌ها و رفتار باروری زنان رخ داده (-177 Donald Mc and Shovazi-Abbasi, 2007, 198) و با تغییر ساختار قدرت در خانواده و دوقطبی شدن آن، وضعیت زنان به طبع کاهش اشکال سنتی اعمال قدرت مردان، بهبود یافت (Mojarab 2002, 52). از سویی با جایگزینی اقتصاد شبه صنعتی به جای اقتصاد مبتنی بر خانواده، به تدریج فرد از شبکه روابط خویشاوندی جدا و با تغییر شغل و استقرار در جغرافیای جدید، از دامن سنت و نهاد‌های سنتی از جمله خانواده آزادتر گشته و واجد استقلال بیشتری نسبت به خانواده شد و به قلمروهای جدیدتری متصل گشت. بنابراین افول اقتصاد مبتنی بر خانواده، شهرنشینی و رشد ارزش‌های فردگرایانه، احتمال شکل‌گیری خانواده‌های گسترده را کاهش داد (Bostan et

سال ۱۳۱۷ مدرسه عالی معماری در وزارت پیشه و هنر تاسیس و در سال ۱۳۲۰ به نام مدرسه هنرهای زیبا جزئی از دانشگاه تهران گشت» (Zarkesh 2011, 103-104). به این واسطه، معماری از ورطه دولت و قدرت مرکزی رها شد و معماران و هنرمندان توانستند به شرح و بسط اندیشه‌های خود ورای قدرت مرکزی بپردازند؛ «هنرهای زیبا یک جزیره آوانگارد، ورای جامعه ایرانی آن روزها بود، نه از نظر هنری یا معماری بلکه از نظر فضایی که بر آن حاکم بود» (Alizadeh 2017, 9).

با وجود اندیشه‌ی غالب بوزار و مدرنیسم در روند آموزشی، به واسطه بازدید از مناطق بکر و دست‌نخورده روستاها و مناطق تاریخی، نوعی گرایش تاریخی در این معماران شکل گرفت (Ahmadi 1995, Saremi 1996; Bavar 2023)؛ «اکنون زمان آن فرا رسیده که به معماری ایران نه صرفاً به‌مثابه آثاری تاریخی و باستانی، بلکه در حکم آثاری نگریست که روح زنده و پایدار درون آن‌ها می‌تواند، الهام‌بخش هنرمندان معاصر باشد» (Saremi 1999, 17).

و اصلاح برای حمایت از زنان در عرصه‌هایی همچون خانواده، تحصیل و اشتغال ادامه یافت و قانون حمایت از خانواده (۱۳۴۶) و متمم آن (۱۳۵۴)؛ به منظور افزودن موارد بیشتری به نفع حقوق و قوانین کار زنان، نتیجه آن است. البته این تغییرات در عمل به دلیل عدم حصول تغییرات ساختاری و بسترسازی اجتماعی و فرهنگی به‌طور موثر و رضایت‌بخشی اتفاق نیفتاد چرا که زنان از لحاظ عاطفی و مادی همچنان به مرد وابسته بوده (Amin 2002, 25) و حتی از لحاظ فرهنگی، تبلیغاتی در جهت تبیین آن صورت نپذیرفت و فقط برای عده‌ی به نسبت محدودی از زنان در شهرهای بزرگ، قابلیت اجرا پیدا نمود (Sanasarian 2005, 65).

۳-۳- خانه‌های پهلوی دوم

«با حمایت رضاشاه از آموزش و پرورش، منطق لازم برای تاسیس دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران و آغاز نظام اعطای اعتبار حرفه‌ای را فراهم کرد. بنابراین در

شکل ۲: برخی از فعالیت معماران در نشریه هنر و معماری (۱۳۴۸-۱۳۵۰)

کروکی‌های سیحون (۱۳۴۸) حضور معماران در سمینار معرفی و آرشيو معماری گذشته معرفي مصالح نوین (۱۳۵۰) فضا و شهرسازی (۱۳۴۸) و معماری روستایی (۱۳۴۸)



محمود نظری - ساطق - عبدالجبار - محسن
حسین معادی - تاجرخ طباطبائی



این گرایش‌ها در دهه چهل و پنجاه با حضور معماران ایتالیایی در جمع اساتید دانشکده هنرهای زیبا همچون نراقی، میرفندرسکی و اعتماد و در هم‌زمانی با جریان‌های جهانی سوق به معماری بومی و توجه به گذشته تاریخی برای رسیدن به معماری هویت‌مند (Beheshti 2016)، و ترغیب آن در دو سمینار یکی در شیراز و دیگری در اصفهان؛ با حضور افرادی چون لویی کان و هانس هولاین، استفاده از معنا، مفاهیم و جوهره در معماری مورد توجه قرار گرفت (Ishraqi 1974, 20; Ahmadi 1995; Saremi 2011; Bani-Masoud 1995; Bavar 1991; and Bani-Masoud 2011). بنابراین آمیزه این تفکرات، سه سبک غالب در آثار معماران این دوره ایجاد نمود. اول معماری مدرن با ترکیبی کاملاً اروپایی و پیرو مدرنیسم اروپایی مانند خانه‌های داوید اوشانا، دوم ترکیبی نوستالژیک و خاطرانگیز از گذشته مانند خانه دولت‌آبادی اثر هوشنگ سیحون و سوم نگاه انتخاب‌گر و عقلانی به گذشته، که همانا توجه به ریشه‌ها و مفاهیم و انتخاب اصولی آن (Saremi 1995) مانند تمام آثاری که در این پژوهش به آن اشاره می‌شود (جدول ۱).

این گرایش‌ها در دهه چهل و پنجاه با حضور معماران ایتالیایی در جمع اساتید دانشکده هنرهای زیبا همچون نراقی، میرفندرسکی و اعتماد و در هم‌زمانی با جریان‌های جهانی سوق به معماری بومی و توجه به گذشته تاریخی برای رسیدن به معماری هویت‌مند (Beheshti 2016)، و ترغیب آن در دو سمینار یکی در شیراز و دیگری در اصفهان؛ با حضور افرادی چون لویی کان و هانس هولاین، استفاده از معنا، مفاهیم و جوهره در معماری مورد توجه قرار گرفت (Ishraqi 1974, 20; Ahmadi 1995; Saremi 2011; Bani-Masoud 1995; Bavar 1991; and Bani-Masoud 2011). بنابراین آمیزه این تفکرات، سه سبک غالب در آثار معماران این دوره ایجاد نمود. اول معماری مدرن با ترکیبی کاملاً اروپایی و پیرو مدرنیسم اروپایی مانند خانه‌های داوید اوشانا، دوم ترکیبی نوستالژیک و خاطرانگیز از گذشته مانند خانه دولت‌آبادی اثر هوشنگ سیحون و سوم نگاه انتخاب‌گر و عقلانی به گذشته، که همانا توجه به ریشه‌ها و مفاهیم و انتخاب اصولی آن (Saremi 1995) مانند تمام آثاری که در این پژوهش به آن اشاره می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱: طبقه‌بندی سبکی معماران دهه چهل تا پنجاه

سبک	مدرنیسم	سنت‌گرا توستالژیک	سنت‌گرا انتقادی
خانه	ویلای خانم دکتر بی دنی	خانه دولت‌آبادی	خانه افشار
معمار	داوید اوشانا	هوشنگ سیحون	علی‌اکبر صارمی



تصویر پروژه

(Derived from Saremi 1995)

همزمان با شروع کار این معماران، جامعه سنتی ایران با ظهور مدرنیته و تکنولوژی، به سرعت پیش رفته و با گذار فرهنگی، از قالب سنت خارج و وارد عرصه مدرنیته شد و به واسطه رشد طبقه متوسط؛ سبک زندگی باز تعریف، و خواسته‌ها و نیازهای جدید معنا یافت و از آن‌جا که معماری نه آثار، بلکه جریان زندگی مردم است (Alizadeh 1969, 70)، خانه در هماهنگی با زندگی مردم تجسد یافت و این التقاط فرهنگی و اندیشه معماران جوان یا برای بازتعریف اصول معماری ایرانی و یا فقط به عنوان کالبدی آزموده بر اساس سبک زندگی و منعطف برای تغییر نیازها، بر اساس تغییر فرهنگ سکونت، مانند آثار مهدی علیزاده که با تفکیک معماری مردمی بر شناخت کاربر و ترسیم زندگی جاری در خانه تاکید داشت (Ibid, 56). از سوی دیگر حضور کارفرمایان جدید، سبب پیدایی گونه‌ای جدید از سازماندهی معماری خانه شدند که به مدد فناوری مدرن؛ ورود آب لوله‌کشی، تاسیسات و تجهیزات خانگی، وسایل سرمایشی و گرمایشی، ورود برق و الکتریسیته به خانه‌ها و حضور میلمان ثابت در فضای خانه و اندیشه معماران جوان (جدول ۲)، سبک زندگی و ساختار خانمایی فضاها در واحدهای مسکونی را متحول نمود (Agha Latifi 2016, 87-88; Soltanzadeh 2017, 124).

همزمان با شروع کار این معماران، جامعه سنتی ایران با ظهور مدرنیته و تکنولوژی، به سرعت پیش رفته و با گذار فرهنگی، از قالب سنت خارج و وارد عرصه مدرنیته شد و به واسطه رشد طبقه متوسط؛ سبک زندگی باز تعریف، و خواسته‌ها و نیازهای جدید معنا یافت و از آن‌جا که معماری نه آثار، بلکه جریان زندگی مردم است (Alizadeh 1969, 70)، خانه در هماهنگی با زندگی مردم تجسد یافت و این التقاط فرهنگی و اندیشه معماران جوان یا برای بازتعریف اصول معماری ایرانی و یا فقط به عنوان کالبدی آزموده بر اساس سبک زندگی و منعطف برای تغییر نیازها، بر اساس تغییر فرهنگ سکونت، مانند آثار

جدول ۲: نظرات معماران در باب معماری مدرن ایرانی و موضوع خانه

معمار	دیدگاه
(علیزاده، ۱۳۴۸)	تمایز بین معماری اصیل و مردمی، خانه را برای مردم و شیوه زندگی و عادات آن‌ها می‌خواهد (۱۳۴۸) معماری نه تقلید یا نمایش بلکه کشف و تدوین مناسبات اجتماعی، عملکرد، فضا مصالح و تاسیسات (خانه ماشین هدفمند و هماهنگ برای زندگی) (۱۳۹۶)
(کلانتری، ۱۳۵۲)	معماری دارای کارکرد اجتماعی بر اساس گفتگو با محیط، نیاز و خواسته‌های انسان خانه؛ قصه‌ای از تاریخ، فرهنگ و شخصیت ساکن (شناخت دقیق نیازهای روانی، فرهنگی و عملکردی ساکن) فرم مدرن در تعامل با ذات معماری ایرانی بدون تقلید صوری
(اصالت، ۱۳۷۵)	بازتعریف معماری بومی با زبان معماری مدرن
(صارمی، ۱۳۸۵)	معماری به‌مثابه پاسخ به نیاز انسانی و زندگی (فرم باید عملکرد داشته باشد). روح سنت باید الهام‌بخش باشد (خلق فرم نوبا معنا و هویت معاصر) فرم تعیین‌کننده فضاست فرم و ماده ایجاد معنا می‌کند.
(احمدی، ۱۳۸۷)	خانه حامل هویت فرهنگی بدون آن‌که تقلیدی از گذشته باشد. خانه فضایی زنده، چندلایه، فرهنگی و معنا دار هویت منطقه‌ای در اتصال با تفکر جهانی (معماری خودی)
(شریعت‌زاده، میرحیدر، ۱۳۹۱)	توجه به نیازهای انسانی و اصول عملکردگرایی و سادگی معماری انسانی (خانه طبق عملکرد و شیوه زندگی؛ معماری به درد مردم ایران بخورد). حجم منطبق با عملکرد داخلی

معمار	دیدگاه
(دیبا، ۱۴۰۰)	معماری انسانی؛ سنت، عادات و حتی تمایلات درونی افراد خانه باید جایی باشد که مردم در آن صفا کنند و اگر سنت را از مردم بگیریم معماری انسانی نیست.
(باور، ۱۴۰۲)	طرح خانه بازتاب زندگی خانوادگی (نما و فرم تابع عملکرد درونی و روابط فضایی) خانه نه فقط پاسخگوی نیاز روزمره بلکه خلق فضایی پویا مفهومی و زنده معماری باید روح و انرژی محیط را منعکس کند. معماری باید آینده را ترسیم کند نه تکرار گذشته
(یمینی، ۱۴۰۲)	خانه در همزیستی با کاربر استفاده از معماری بومی

۴. پیشینه پژوهش

پهلوی دوم نگاه نموده است. خاقانپور (۱۳۹۶) به شناخت رویکرد طراحان در مسیر پیوند با گذشته، دهقان و منان رئیسی (۱۴۰۲) به معماری داخلی خانه‌های معاصر از دریچه ظهور مصرف‌گرایی و کریم‌زاده (۱۴۰۳) به تحول فضای نشیمن در خانه‌های پهلوی شهر ارومیه، پرداخته و مورد تحلیل قرار داده‌اند. در این میان بررسی اصول خانه‌های ایرانی و خوانش آن در خانه‌های پهلوی دوم شهر تهران، با توجه به بحران بی‌هویتی مسکن معاصر، واجد ارزش است.

اهمیت بازشناسی اصول معماری خانه به گونه‌ای است که پژوهش‌های گسترده‌ای به بررسی مفاهیم و اصول خانه‌های ایرانی در ادوار تاریخی پرداخته‌اند (Ahui et al. 2021) و پژوهش‌هایی نیز سعی در خوانش اصول در خانه‌های معاصر داشته‌اند (Koti et al. 2024; Agha Latifi) و پژوهش‌هایی نیز سعی در خوانش اصول در باب خانه‌های پهلوی دوم نیز زرکش (۱۳۹۱) به تاثیر بناهای دولتی و عمومی بر معماری بناهای خصوصی

جدول ۳: پیشینه پژوهش

عنوان	پژوهشگر	اهداف و نتایج
Understanding architecture: Its elements, history, and meaning	(لیند ام. ای. سی. راث، ۲۰۱۸)	کتاب «درک معماری» که آن را به عنوان یک پدیده فرهنگی و دستاورد هنری و فناوری با ساختار دوبخشی و سراسر خود بررسی می‌کند: عناصر معماری و تاریخ و معنای معماری شامل معماری اسلامی و غیرغربی
Refurbishment, vernacular architecture and invented traditions: the case of the Empordanet (Catalonia).	(آلسیندور و کوک-هولوا، ۲۰۱۹)	نوسازی، معماری بومی و سنت‌های ابداعی: مورد امپوردانت (کاتالونیا)
Perceptions of the Courtyard in Kuwait: Between Tradition and Modernity	(یوسف، هارون، ۲۰۱۹)	ارتباط بین واقعیت‌های گذشته و برداشت‌های فعلی در مورد حیاط
Sustainability in Traditional Iranian Architecture: Lessons from the Residential Typology	(مات، ۲۰۱۴)	در این مقاله، معماری سنتی ایران از دیدگاه پایداری شکلی بررسی شده است. عناصر پایداری شکلی در ایران بررسی شده و تغییرات مرتبط با آن در مناطق مختلف، که ناشی از تغییرات اقلیمی است، نشان داده شده است.
از حیاط مرکزی تا قاب‌بندی‌های فضایی: تغییرات توده و فضای تهی در معماری مسکونی تهران	(فدایی مهربانی و بنی‌اسدی باغمیرانی، ۱۴۰۴)	بازتعریف فضای تهی در معماری معاصر دیده می‌شود که این فضا را نه تنها به عنوان عنصر عملکردی، بلکه به عنوان عاملی زیبایی شناختی و مفهومی در طراحی بناها مورد توجه قرار داده‌اند.
حیات حیاط: بررسی سیر تحول حیاط خانه‌های تهران در دوره معاصر و عوامل مؤثر بر آن	(عالی‌قدر و حقیر، ۱۴۰۲)	بررسی این تحولات و دلایل وقوع آن

عنوان	پژوهشگر	اهداف و نتایج
تبیین مولفه‌های سنت و مدرنیسم در ساختار کالبدی بناهای مسکونی دوره معاصر ایران (نمونه موردی بناهای مسکونی دوره پهلوی)	(طاهریان و همکاران، ۱۴۰۱)	بررسی مولفه‌های سنت و مدرنیسم در ساختار کالبدی معماری معاصر مسکونی ایران در دوره پهلوی
سیر بالندگی و رشد فضای تهی در کالبدشناسی معماری خانه‌های تهران (اواخر دوران قاجار تا ابتدای دوره جمهوری اسلامی)	(عسگری و همکاران، ۱۴۰۱)	روند فضای کالبدی ساختمان‌های مسکونی دوران تحول، رفته‌رفته از یک فضای پیوسته به لکه‌هایی در پلان، تغییرات و تخلخلی در نما و در نهایت حجم کلی بنا ورود می‌یابد.
خوانش نسبت تاریخ‌گرایی و مفهوم هویت در میراث معماری مدرن نمونه موردی: شهر تهران	(ریاحی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱)	بازخوانی ریشه‌ها و سطوح رویکرد تاریخ‌گرا در دوره پهلوی اول است.
مقدمه‌ای بر تحلیل تاثیر نفوذ فرهنگی غرب بر معماری مسکونی معاصر ایران در دوران قاجار و پهلوی	(پور اعتصامی، ۱۳۹۹)	معماری دوره قاجاریه با ارتقاء اصول، مبانی و الگوهای قدیم معماری ایران به معماری دوره پهلوی اول با الگوگیری از کشورهای شرقی و تلفیق با معماری سنتی و سپس به معماری دوره پهلوی دوم با الگوی غرب‌گرایی و بی‌هویتی رسیده است.
بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران مورد پژوهی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار	(حق‌شناس و حناچی، ۱۳۹۹)	مجموعه تحولاتی که از ابتدای قرن سیزدهم در ایران آغاز شده اگرچه اغلب سرمنشائی خارج از فرهنگ داخلی داشته، پذیرش تدریجی و یا بعضاً تحمیل آن‌ها در سبک زندگی مردم، زمینه بروز و ظهور تغییرات کالبدی مسکن در یکصد سال اخیر را به وجود آورده
معماری بومی ایران در خوانشی نوین از دههٔ چهل خورشیدی تا کنون	(ارباب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹)	ترکیب تکنولوژی پیشرفته با محتوای بومی و سنتی در برخی نمونه‌ها، امکان تجلی روح زمانه و بیانی نوگرایانه از کانسپت سنتی را به‌وجود آورده است.

۵. چارچوب نظری

هویت محیط ایده‌ها و اثرات برگرفته از ویژگی‌های فرهنگی مکان، در پیوند با کارکرد و زمان است (Ghod- 1999, 81) و مفهومی است که انسان و ساخته‌اش را به ریشه و مبدا خود بازمی‌گرداند (Burckhardt 2002). راپوپورت (۱۹۸۲) هویت را عامل تمیز و تشخیص دانسته و هویت محیطی را خصوصیتی لاتغییر شامل ویژگی‌های فیزیکی؛ مانند شکل، ابعاد، تزیینات و سبک ساختمانی، یا فعالیت جاری یا عملکردهای محیط دانسته و محیط ساخته‌شده را زبان غیر کلامی بازتاب معنا، ارزش و هویت فرهنگی تعبیر می‌نماید. لینچ (۱۹۶۰) با برشمردن هویت به عنوان اولین و بنیادی‌ترین عامل شکل‌گیری تصویر شهر، آن را عامل تشخیص و دارای بار عاطفی مکان می‌داند. الکساندر (۱۹۷۹) هویت محیطی را حاصل ارتباط طبیعی و منطقی فرد و محیط و ماحصل آن را آرامش و احساس تعلق خاطر به مکان می‌داند. رلف (۱۹۷۶) هویت مکان را برآمده از رابطه‌ی میان انسان و محیط دانسته که از سه جزء اساسی ساختار فیزیکی مکان، فعالیت‌ها و کارکردهایی که در آن انجام می‌شود و معناها و تجربه‌های انسانی مرتبط با آن برآمده است که ترکیب این سه عنصر، باعث تشخیص و به‌یادماندن شدن یک مکان می‌گردد؛ «هویت مکان زمانی پدیدار می‌شود که انسان با محیطش

درگیر شود، در آن زندگی کند و معنایی شخصی یا جمعی برایش بسازد. هرچه این پیوند قوی‌تر باشد، هویت مکان عمیق‌تر است» (Relph 1976, 43-63). کالن هویت را شخصیت فردی و ویژگی خاص هر محیط و عامل پرهیز از یکنواختی و تشابه محیط‌های شهری می‌داند: «هر شهر باید چهره‌ی ویژه‌ی خود را داشته باشد؛ چهره‌ای که از درون فرم‌ها، رنگ‌ها، مصالح، و نحوه‌ی قرارگیری ساختمان‌ها شکل می‌گیرد. این چهره است که به شهر شخصیت می‌دهد؛ همان چیزی که باعث می‌شود لندن، یورک یا ادینبرو هر کدام حال‌وهوای خاصی داشته باشند» (Cullen 1961, 9).

۵-۱- اصول هویت بخش خانه ایرانی

هویت امری پویاست، که در گذر زمان دچار تحول گردیده و تاثیرپذیری از زمان و روح زمانه، از ضروریات وجودی آن است (Mahdavinejad et al. 2010, 116). هویت خانه ایرانی نیز منبعت از فرهنگ ایرانی و کاربری اصول آن نه به معنای تقلید، بلکه بدعتی برای تداوم ارزش‌های خودی و به معنای پیوند با گذشته در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به روح زمانه می‌باشد (Mir Moqtadaei 2004, 29) که برای بازشناسی اصول حاکم بر آن باید به کالبد نگریست. حائری (۱۳۸۷) ساختار کالبدی خانه‌ها را بر

اساس ترکیب سه الگوی فضای باز، بسته و نیم‌باز تعریف نموده و غنای آن را گذار از این مراتب، می‌داند (Haeri, 2008, 17). هال (۱۳۸۴) با بیان مفهوم همجواری، بر سه مولفه، سیمای ثابت، سیمای نیمه‌ثابت و بی‌شکل تاکید نموده که فرهنگِ برخوردارانه آن را ساختار می‌بخشد که خود منبعث از نحوه انجام فعالیت‌ها، ساختار خانواده،

نقش جنسیت‌ها، فرآیند روابط اجتماعی، نگرش به خلوت می‌باشد. بنابراین ابتدا با نگاه به پژوهش‌های صورت گرفته به استخراج الگوهای شاخص مفهومی که در کالبد خانه ایرانی ظهور یافته و ساختار آن را شکل بخشیده و هویت آن را می‌سازد، می‌پردازد.

جدول ۴: پژوهش‌ها در حوزه اصول خانه ایرانی

پژوهشگران	اصول خانه ایرانی
(ریبعی و همکاران، ۱۴۰۲)	خلوت، سلسله‌مراتب، فضاهای متنوع و انعطاف‌پذیر، رابطه با طبیعت، نقش آب در حیاط خانه‌های سنتی، پیوند خانه و ساکنانش، روابط اجتماعی و زندگی جمعی، زیبایی
(آهویی و همکاران، ۱۴۰۰)	مولفه کالبدی، اجتماعی و فرهنگی
(یاران و همکاران، ۱۳۹۹)	درون‌گرایی، مرکزگرایی، ارتباط معماری با طبیعت، به‌کارگیری اصول هندسی در شکل‌گیری فضاها و تصاویر بصری در کالبد، توجه به رعایت سلسله‌مراتب و ارزش‌گذاری فضاها در پلان، انعطاف‌پذیر بودن فضاها، تناسب و تعادل در ارتباط معماری با عناصر طبیعی و همساز بودن با بوم و اقلیم
(اسکویی و نظری، ۱۳۹۹)	مهمان‌پذیری، حریمیت، پرهیز از اسراف
(علی محمدی- عبدالهی، ۱۳۹۷)	ارتباط چهارگانه با خود، دیگران، طبیعت و خداوند، حریمیت، امنیت، درون‌گرایی، مرکزیت، انعکاس، هندسه، سلسله‌مراتب، شفافیت و تداوم
(پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۶)	پرهیز از بیهودگی، درون‌گرایی، مردم‌واری، نیارش و خودبسندگی
(مازباری و ایمانی، ۱۳۹۵)	شاخص کیفیت کالبدی فضایی، کیفیت ساختاری، کیفیت عملکردی، کیفیت محیطی، نیازهای انسان
(ضرغامی، ۱۳۹۵)	توجه به حریم خصوصی (حرمت و حریمیت)، استفاده از عوامل طبیعی، امنیت و آسایش، تواضع در خانه، کیفیت فضا
(میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵)	تناسبات، فرم و اندازه، تزئینات، روابط و چیدمان، درجه محصوریت، رعایت مقیاس انسانی، رنگ
(حبیبی و ایرانپور، ۱۳۹۳)	حوزه کارکردی، حوزه روان‌شناختی و حوزه زیبایی‌شناختی
(کرمی و زارع، ۱۳۹۲)	جهت‌گیری، درون‌گرایی، وجود حیاط مرکزی، ورودی، رعایت سلسله‌مرتب فضایی، تنوع فضایی، توجه به اقلیم، سازه، مصالح
(زارعی و همکاران، ۱۳۹۴)	ساختار (شفافیت فضایی؛ سازماندهی فضایی؛ تناسبات)، ارتباطات (سلسله‌مراتب؛ ارتباط بصری؛ ارتباط فضایی، تزئینات (تزئینات بیرونی و درونی))
(عبدالله‌زاده و ارژمند، ۱۳۹۱)	خانه ایرانی و طبیعت، خانه ایرانی و خلوت، خانه ایرانی و فضاهای متنوع و انعطاف‌پذیر، خانه ایرانی و زندگی جمعی، خانه ایرانی و ارتباط با ساکنان، خانه ایرانی و جمالی و زیبایی، خانه ایرانی و حس دل‌بستگی
(بمانیان، ۱۳۸۹)	نمای بیرونی، ورودی، هشتی، دالان ورودی، حیاط (حیاط بیرونی، حیاط اندرونی)، نمای داخلی حیاط

همچون عناصر، هندسه و مصالح، با توجه به تحول تکنیک‌ساخت، به‌طور کلی دگرگون شده و در ضمن با توجه به محوریت معنا در پژوهش، در قالب اصول اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ مثلاً حوزه ورودی، حیاط یا اتاق در موضوع خلوت، بررسی می‌شود.

از بررسی شاخصه‌های پژوهش‌های صورت گرفته (جدول ۴)، خلوت، تنوع و انعطاف‌پذیری، ارتباطات اجتماعی، حریمیت، ارتباط با طبیعت، اصولی است که در همه پژوهش‌ها بر آن تاکید شده و می‌توان به عنوان شاخصه اصلی در نمونه‌ها منتخب به بررسی آن پرداخته تا قرائت تازه آن را تبیین نمود. لازم به ذکر است اصول کالبدی،

- خلوت

خلوت به معنای تنهایی گزیدن، تنها نشستن، تنهایی و انزوا است (Arjomand and Khani 2012, 30) و حصول آن به عنوان یکی از اصول معماری ایرانی تبیین می‌گردد. تأمین خلوت ساکنان خانه از محل ورودی، پس از پشت سر نهادن جهان بیرون از خانه، آغاز شده و در سه عرصه تعریف می‌گردد؛ اول ورودی و اجزای آن، که پرعنصرترین قسمت خانه و به عبارتی به عنوان، محل تشریح و تبیین این مفهوم است، دوم فضاهای مرکزی خانه، به عنوان محل تقسیم خلوت و تفکیک دسترسی‌ها به اجزای دیگر خانه، و در آخر، محل تخصیص خلوت به افراد یک خانه؛ که همانا فضاهای خصوصی خانه چون اتاق‌ها را شامل می‌شود (Nasiri 2009, 40). به عبارتی این عرصه‌ها مبین سلسله‌مراتبی از حوزه عمومی به حوزه خصوصی را شامل می‌شود (Khameneizadeh 2017, 35).

- تنوع و انعطاف‌پذیری

سازمان فضایی خانه‌های سنتی، بر اساس تحقق عملکردهای مختلف، امکان فضایی گسترده‌ای را برای ساکنان فراهم می‌آورد. برای مثال در اتاق، نشست و برخاست روزانه صورت گرفته؛ با پهن کردن سفره‌ای صرف طعام محقق شده و شب با متکا و بوریایی در همان فضا می‌خوابند. این تنوع، در تحقق یک تجربه نیز صورت می‌پذیرد مثلاً گاهی در خنکای روز بر تختی در حیاط صرف طعام صورت گرفته گاهی در ایوان، سفره‌خانه، بهارخواب، اتاق و حتی با حضور مهمانان در تالار محقق می‌گردد. این تنوع فضایی که از راه تنوع در میزان محصور بودن فضاها (بسته، باز، و پوشیده)، کیفیت نور و حضور جریان هوا، تنوع کف‌ها و ارتفاع سقف‌ها ایجاد شده، ساکنان خانه را نسبت به کیفیت‌های فضایی حساس می‌نموده، چنان‌که ادراک آنان از فضای خانه تمامی این تنوع‌ها را شامل می‌گردد (Arjomand and Khani 2012, 32). وجه دیگر تنوع، کارکردی و از شاخصه‌های انعطاف‌پذیری در خانه‌های سنتی است که پاسخگویی به تغییر در نظام سکونتی خانواده، بعد خانوار و تغییر نیازهای

فصلی و روزانه را تسهیل می‌نماید (Aeinifar 2006, 65).

- ارتباطات اجتماعی

خانه نهادی است که سلسله‌ای از امیال، آرزوها و نیازها سنگ بنای هستی اوست و فرم و ساختارش مبتنی بر آداب و رسوم و برخاسته از محیط فرهنگی می‌باشد که خانه به آن فرهنگ تعلق دارد (Rappaport 1969). بنابراین خانه منطبق بر فرهنگ و ساختار آن نشانگر روابط اجتماعی افراد ساکن در آن است (Bamanian and Amini 2016, 74) و در خانه سنتی، ایرانی با توجه به حضور خانواده گسترده و پرده‌نشینی زنان، روابط اجتماعی از قبیل رعایت حریم خصوصی در عین تکریم مهمان، از اصول اساسی است.

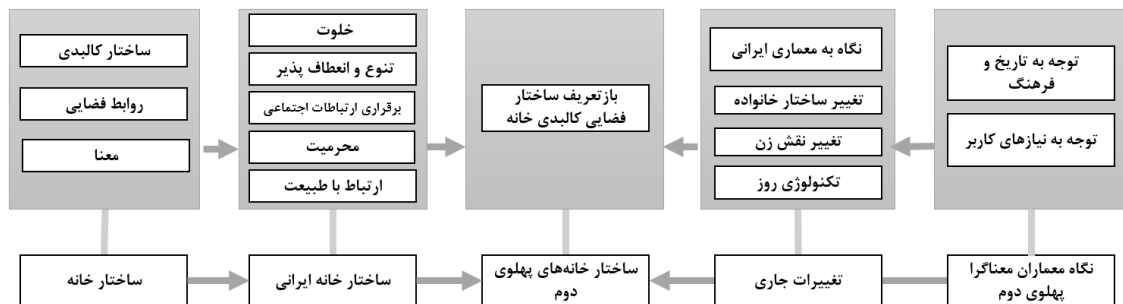
- محرمیت

خانه به عنوان مکانی امن و بستری برای آرامش خانواده بایستی به گونه‌ای مناسب از اشراف مصون باشد و ساختارش به نحوی سامان یابد که غریبه‌ها بر فضاهای داخلی تسلط نداشته و قلمرو اعضای خانواده به نیکی از یکدیگر تفکیک شوند. بنابراین محرمیت به عنوان یکی از اصول اساسی خانه ایرانی و تجلی ارزش‌های معنوی فرهنگی و شیوه زندگی (Ghafourian et al. 2017, 140-142)، برای کنترل دسترسی، ارتباط بصری و تبادل صوت، معرفی می‌شود و به صورت درونگرایی و توجه به جوهر و هسته باطنی تجلی می‌یابد (Zarghami and Sadat 2016, 60-62).

- ارتباط با طبیعت

در خانه ایرانی، طبیعت بخش جدایی‌ناپذیر خانه و حیاط عامل انتظام بخش آن است (Haeri 2009, 184). به طور کلی حضور طبیعت در دو عرصه قابل توجه است؛ طبیعت پالایش شده به صورت مستقیم برای در امان ماندن از صعوبت محیط در حیاط مرکزی، دوم به صورت تجریدی در آذین داخلی که بر پیوند ناگسستنی انسان و محیط دلالت دارد.

شکل ۳: چارچوب نظری پژوهش







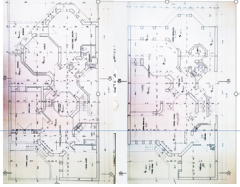
۶. معرفی مورد مطالعاتی

بوده و دارای خصوصیات مشابه بود، برگزیده شد؛ مثلاً خانه نجف دریابندری به دلیل داشتن حیاط مرکزی که ساختاری متفاوت با آثار دیگر بود، و معمار تاکید بر تفاوت زندگی ساکنان آن دارد (Clantary 1974, 50)، حذف و به جای آن خانه آذربا انتخاب شد (جدول ۵).

برای انتخاب نمونه موردی لیستی از معماران هویت‌گرای ایرانی در آن دوره که خود در نوشته‌ها و مصاحبه‌ها بر آن تاکید نموده و از دید نخبگان نیز تایید شده، گردآوری و آثاری که واجد اصول معماری ایرانی بودند، غربال گردید. در نهایت از هر معمار یک خانه که دارای مدارک کامل

جدول ۵: معرفی خانه‌های منتخب

مشخصات خانه	تصویر	ویژگی	پلان‌ها
خانه آذربا (ایرج کلانتری، ۱۳۵۱)		- فرمی ساده اما فضای داخلی به شدت پویا و باز (دعوت‌کننده به کشف فضای داخلی) - همگون با نیاز عملکردی کارفرما	
خانه افشار (علی اکبر صارمی، ۱۳۵۵)		- تفکیک لایه عملکردی (خانه) و پوسته معمارانه «معماری» - همگون با نیاز عملکردی کارفرما - هویت معماری ایرانی در غالب مدرن	
خانه فرمند (سیروس باور، ۱۳۵۴)		- معماری با منطق فرم و عملکرد و دقت اجرا (نمای اکسپوز) - معماری خرمندانه (حداقل عناصر، پوشش کارکردی، حرکت درونی در فضا) - دسترسی منطقی و روان به فضاها	
خانه پرویز تناولی (کامران دیبا، ۱۳۵۱)		- ارتباط سطوح با نیم‌طبقه مسیر داخلی باز پیوستگی فضایی - دارای طراحی آزاد و مسیر دید گسترده (حداقل فضای کور)	
خانه معصومی (محمدرضا نادرپور، ۱۳۴۸)		- دارای فرم منحنی، نورگیری سقفی در مرکز پلان - فضاسازی دقیق (توجه به تجربه کاربری)، روانی فضا	

مشخصات خانه	تصویر	ویژگی	پلان‌ها
خانه فرهنگ (فرهاد احمدی، ۱۳۵۱)		<ul style="list-style-type: none"> - برجسته بودن پله اکسپوز - طراحی متناسب با نیاز کارفرما - سیالیت فضا 	
ویلا عالیخانگی (فرخ اصالت، ۱۳۵۰)		<ul style="list-style-type: none"> - تلاقی سنت و مدرنیته به‌ویژه در مصالح - پلان منطقی و هم‌نشینی - اصولی فضاها (راحتی کاربر) - فضاسازی دقیق (توجه به تجربه کاربر) - روانی فضا 	
خانه گیوچی (ایرج یمین اسفندیاری، ۱۳۵۴)		<ul style="list-style-type: none"> - تلفیق الگوهای بومی و هندسه مدرن - پیچیدگی احجام - همزیستی خانه با سه نسل 	

(منبع تصاویر: <https://aoapedia.ir/>)

۷. بازتعریف اصول معماری ایرانی

همان‌گونه که بیان شد خلوت، تنوع و انعطاف‌پذیری، محرمیت، برقراری روابط اجتماعی و ارتباط با طبیعت، رشته به‌هم پیوسته خانه ایرانی است که در سیری از گذشته تا حال ادامه داشته و در برهه‌ای از تاریخ، به واسطه ارتباط با غرب و قوام نیافتن اندیشه نوگرا منفصل گردید، حال باید دید این اصول در سایه تغییر نقش زن و تحول ساختار خانواده ایرانی و هسته‌ای شدن فرم آن، به همت معماران هویت‌مند ایرانی چگونه بازتعریف گردید و در ساختار فضایی- کالبدی نمونه‌های موردی محقق شد.

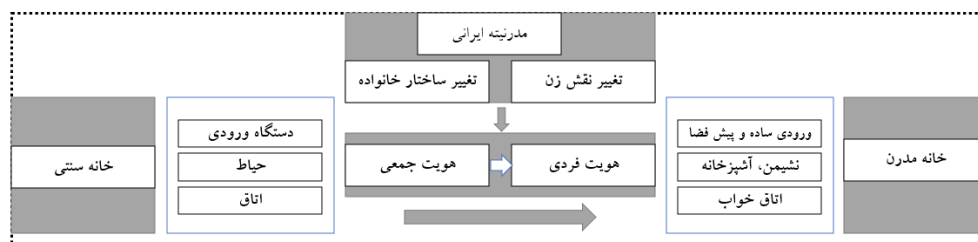
۷-۱- خلوت

در خانه‌های معاصر با ساده شدن فضاها عناصر ورودی ساده‌شده و به دربی ساده، خلاصه می‌گردد. در خانه‌های معاصر نسل اول پهلوی، ورودی شاخص در میانه بنا، مستقیم به فضای هال مرکزی رسیده و گسترش دید تا خصوصی‌ترین فضاها فراهم می‌شد، اما در خانه‌های مورد بررسی در این پژوهش، درب خانه به کنج بنا رفته و با تعریف پیش فضای ورودی، سلسله‌مراتبی برای رسیدن

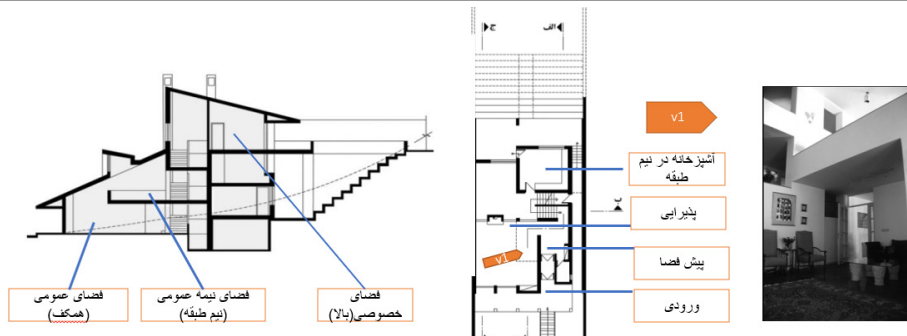
از فضای عمومی به فضاهای نیمه‌خصوصی و خصوصی محقق می‌گردد. در امتداد سنت پیشین، در این خانه‌ها فضای عمومی شامل اتاق پذیرایی، به کنار ورودی رفته و ورود به عرصه خصوصی از آن مجزا می‌گردد؛ بنابراین برای دسترسی به فضای خصوصی، نیازی به ورود به عرصه عمومی نیست.

در خانه سنتی ایرانی با توجه به گستردگی خانواده و حضور چند نسل در کنار هم، گردهم زیستن افراد خانواده، خلوت جمعی را تحقق می‌بخشد که بیگانگان در آن جایی ندارند. بنابراین از اتاق تا تالار و از حیاط تا سفره‌خانه، محل تحقق خلوت جمعی است. ولی فضایی برای تحقق خلوت فردی وجود ندارد و حتی در خصوصی‌ترین فضاها نیز، افراد دارای هویت جمعی تعریف می‌شوند و امکان شخصی‌سازی و فردیت‌بخشی فضاها سلب شده است (Khamenehzadeh 2017, 35). در گذار از سنت و جامعه سنتی و هسته‌ای شدن خانواده، هویت فردی معنا می‌یابد و یکی از ویژگی‌های خانه‌های معاصر، هویت‌یابی فضاها و تحقق خلوت فردی در فضایی مانند اتاق خواب است.

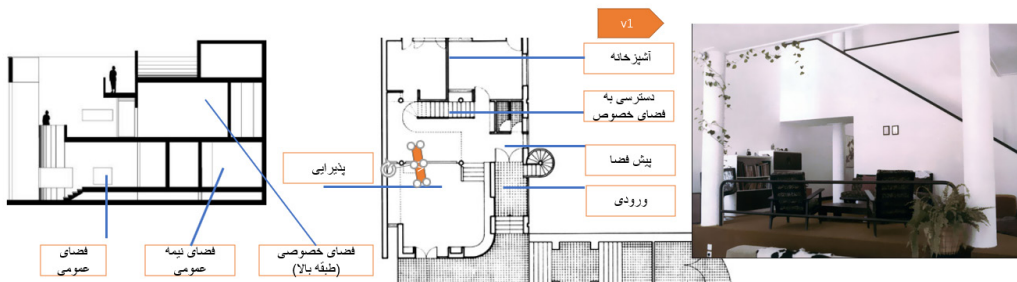
شکل ۴: تغییر عرصه‌بندی در خانه‌ها



جدول ۶: عرصه‌بندی خانه



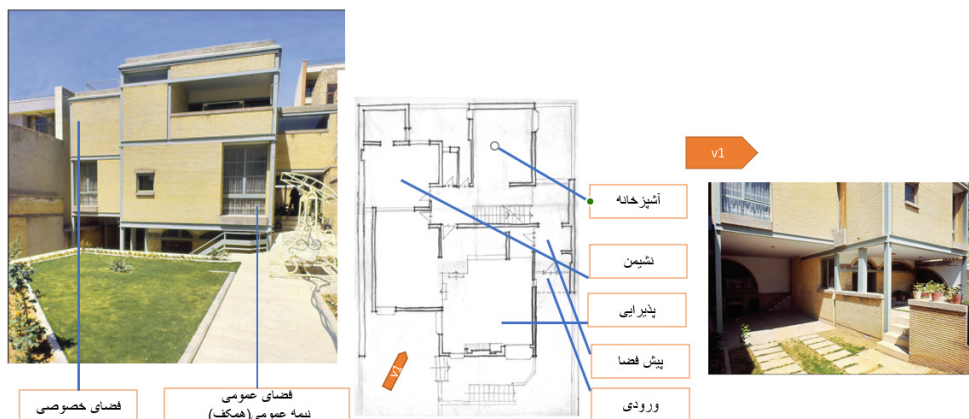
خانه آذربا (ایرج کلانتری، ۱۳۵۱)



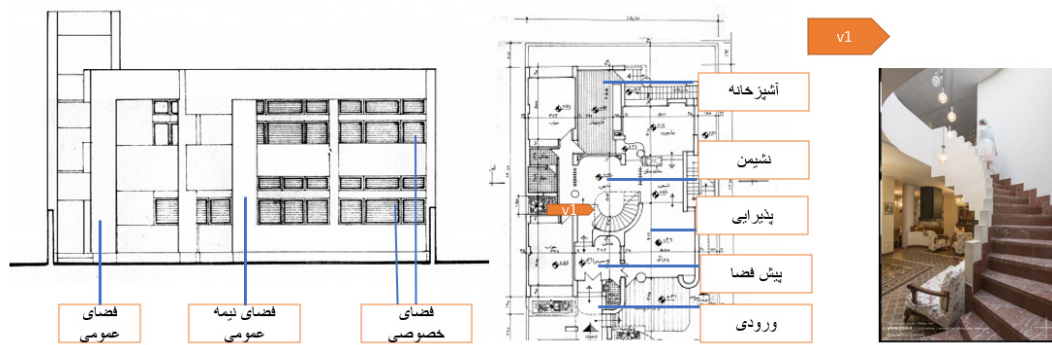
خانه افشار (علی اکبر صارمی، ۱۳۵۵)



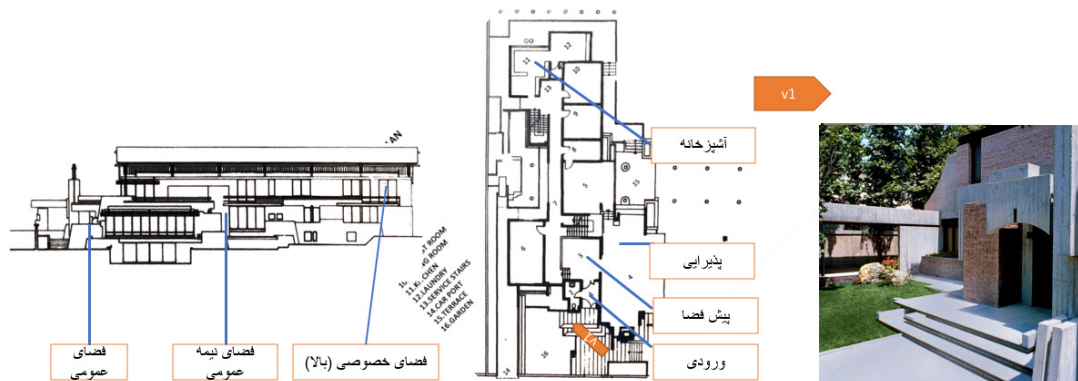
خانه پرویز تناولی (کامران دیبا، ۱۳۵۱)



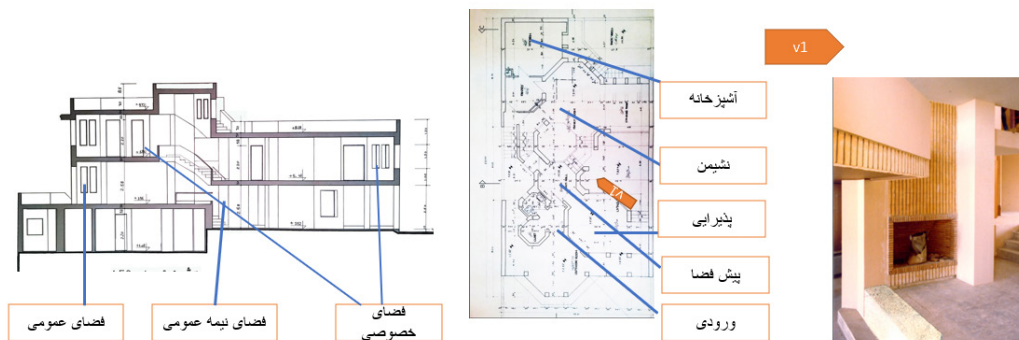
خانه فرهمند (سیروس باور، ۱۳۵۴)



خانه معصومی (محمد رضا نادرپور، ۱۳۴۸)



خانه عالیخانی (فرخ اصالت، ۱۳۵۴)



خانه گیوچی (ایرج یمین اسفندیاری، دهه پنجاه)

هویت مستقل است و خلوت فردی افراد خانواده را تأمین می‌نماید.

۷-۲- تنوع و انعطاف پذیری

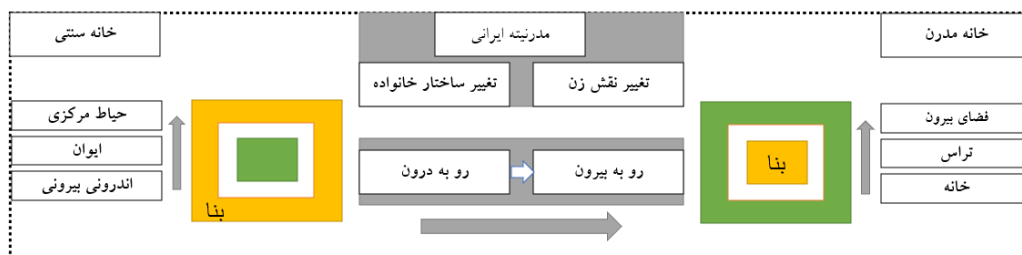
انعطاف‌پذیری، پاسخ‌دهی معماری به تغییرات در طول زمان و تنوع‌پذیری، تغییرپذیری و تطبیق‌پذیری سه ابزار رسیدن به آن است. این تغییر می‌تواند در بعد ساختار خانواده یا پاسخی به شرایط اقلیمی مانند تغییرات فصلی یا روزانه باشد. ساختار زندگی و به تبع آن فضاهای معماری گذشته، با توجه به الگوی زندگی کشاورزی یا دامداری، براساس نظم زندگی فصلی و طبیعی تقسیم شده و خانه‌ها دارای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین بود. از سویی با محوریت ساختار خانواده گسترده، فضاها باید پاسخگو

بنابراین، در ساختار این خانه‌ها با بازتعریف مفاهیم خانواده و تغییر نقش افراد، به‌ویژه زنان و اهمیت یافتن خلوت فردی، سه عرصه مورد تعریف در خانه سنتی، بدین‌گونه بازتعریف گردید: عرصه اول- ورودی و پیش‌فضا؛ که بر خلاف گذشته ساده و بی‌تکلف است و ضمن تأمین دسترسی مجزا به فضای عمومی و فضای خصوصی، محدودکننده، بسته و پرتکلف نیست. عرصه دوم که در خانه سنتی برای تأمین خلوت جمعی خانواده در نظر گرفته شده بود، این‌بار در تعریف تازه، به فضای نشیمن و آشپزخانه، بدل شد که افراد خانواده هسته‌ای در گذران زندگی، خلوت جمعی خود را در آن سپری می‌نمایند و عرصه آخر حوزه اتاق خواب؛ که بر خلاف گذشته، با مبلمان و عملکرد مشخص تعریف شده و دارای



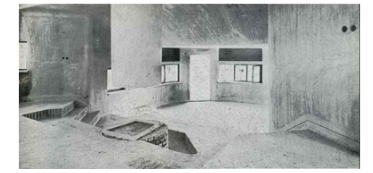
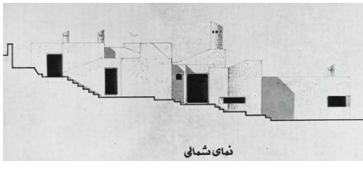
که بر منعطف بودن مبلمان و تنوع امکان فعالیت جاری اشاره و مبین فضای انعطاف‌پذیر و چندعملکردی است. در خانه‌های مورد بررسی، با وجود تک‌عملکردی شدن فضاها، با تنوع کفها، تعریف نیم‌طبقه، نور، پیش‌آمدگی‌ها و تورفتگی‌ها، تنوع و سیالیت فضایی تأمین گردیده و در عین حال، تمام فضاها همچون اتاق‌ها و تراس‌ها با ظرافت به هم راه دارند (Karimi 2017, 133) و با کم شدن و حذف موانع فضایی ثابت؛ مانند دیوار، این تحدید فضایی در فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی، به حداقل رسیده و گذار از فضای عمومی به فضای نیمه‌عمومی در لایه‌های افقی و عمودی به نرمی صورت می‌پذیرد و تضمینی بر سیالیت فضایی و گسترش دید مانند خانه ایرج کلانتری و دیبا است. نکته دیگر تنوع در ارتفاع فضاها با توجه به اهمیت فضا و چرخش فضا به سمت منظره بهتر و تاثیر توپوگرافی بر غنی شدن فضا است (Kalantari et al. 1969, 26). با وجود بی‌اعتبار شدن حیاط در ساختار خانه، حضور فضای پوشیده برای انتقال از فضای بسته به فضای باز، با ایجاد بیش‌ترین تنوع در ساختار به‌قوت خود باقی است. البته این بالکن‌ها نه رو به درون، که نگاه به بیرون دارند و بر غنی شدن فرم فارغ از تزیینات متداول، تاکید دارد (جدول ۷).

تأمین نیاز خانواده بوده و هر فضا در عین استقلال، امکان ترکیب با فضای مجاور خود را پیدا می‌کند؛ مثلاً با بازکردن درگاه میان اتاق‌ها، فضای بزرگتری بر اساس نیاز تازه، تعریف می‌شود. از سویی امکان گسترش خانه برای پاسخ‌دهی به افزایش بعد خانوار فراهم می‌شد که محوریت حیاط امکان گسترش افقی و عمودی خانه را ممکن می‌ساخت. بنابراین در آن ساختار، با توجه به نیازهای رفتاری و آداب خانوادگی خانواده گسترده، امکان تحقق رویدادها و تجربه‌های متنوع و ضروری، فراهم می‌گردید. در گذار به مدرنیته، و ورود به عصر صنعت، با تغییر نظام معیشت، و فارغ شدن از وابستگی خانوادگی، خانواده گسترده مطرود و خانواده هسته‌ای جایگزین شد. در این ساختار با اهمیت یافتن افراد، به‌واسطه معیشت دیوانی، فضای معماری به کارکردگرایی و روزمره شدن با توجه به سبک زندگی نوین، روی آورد (Saremi 1995) و هر فضا دارای کارکرد و مبلمان مشخص شد، که در تمام خانه‌های مورد بررسی این ویژگی شاخص می‌باشد. تنوع فضایی در دو ویژگی تعریف می‌شود اولی کالبدی؛ که حاصل آن غنای فضایی است، و در ساختار خانه ایرانی، همنشینی کیفیت فضا باز، بسته و پوشیده و تنوع ارتفاع و کیفیت نور به آن معنا می‌بخشد. دوم ویژگی کارکردی-

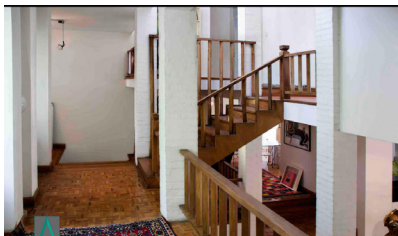
شکل ۵: تغییر جهت‌گیری خانه از درون به بیرون



جدول ۷: تنوع فضایی در خانه‌های پهلوی دوم

تنوع فضای داخلی	تنوع فضای خارجی (ایوان)	خانه
		خانه دریابندری (کلانتری، ۱۳۵۰)
		کلانتری، طیب‌نیا و پطروسیان، ۱۳۴۸

تنوع فضای داخلی



تنوع فضای خارجی (ایوان)



خانه

خانه ابراهیمی
(صارمی، ۱۳۵۳)

خانه ناهید
(باور، ۱۳۵۰)

خانه تناولی
(دیبا، ۱۳۴۸)

خانه هنر
(کمون، ۱۳۴۸)

خانه معصومی (نادرپور،
۱۳۴۸)

خانه فرهنگ (احمدی،
۱۳۵۰)

خانه	تنوع فضای خارجی (ایوان)	تنوع فضای داخلی
ویلا عالیخانن (اصالت، ۱۳۵۴)		
خانه گیوچی (یمینی، ۱۳۵۴)		
خانه شماره ۲ (میرحیدر و شریعتزاده، دهه ۵۰)		
خانه کوهبر (علیزاده، ۱۳۵۲)		
خانه دکتر بی دنی (اوشانا، ۱۳۴۴)		

(منبع بعضی از تصاویر: <https://aoapedia.ir/>)

۷-۳- بازتعریف ارتباط اجتماعی در خانه مدرن

فرم خانواده، نقش افراد، ارتباط اعضای خانواده با هم، تقسیم کار و حضور کار خانگی (Behnam 1973, 11) روابط اجتماعی در خانه را معنا می‌بخشند. بنابراین با تغییر نقش و جایگاه زن، هسته‌ای شدن خانواده و برون‌سپاری وظایف دینی، تربیتی، اقتصادی و تفریحی به خارج از خانه، ساختار خانواده و ارتباط اعضا متحول گردید (Ibid, 13) و کالبد خانه ایرانی برای بازیگران و نقش‌های تازه فرم یافت.

- خانواده

در نظام سنتی مناسبات قدرت، بر وجود خان و بزرگ‌تر تاکید می‌نماید؛ در این ساختار اعضای خانواده تحت قیومیت مرد بزرگ خانه به کار و فعالیتی گروهی می‌پردازند و کار زنان در این سیستم بی‌مزد و ارج و در جهت منافع مرد خانه تبیین می‌گردد. در همین راستا، ساختاریابی خانه

ایرانی، با توجه به حضور خانواده‌ای گسترده، شامل چند نسل کنار هم و براساس سلسله‌مراتب سنی و جنسیتی سامان یافته (Roostam-Kolayi 2004, 238) و با توجه به روحیه فعالیت‌ها و تجارب جمعی، فضاها نیز پاسخگوی زندگی جمعی بوده و دارای کارکردهای متنوع و فضایی چندمنظوره بوده که این امر، امکان تحقق فعالیت‌های متنوع و زندگی جمعی را میسر می‌نموده است. بعد از انقلاب صنعتی و جذب شدن مردان به شهرها، دیگر الزامی به حضور جمعی افراد نبوده و خانه‌ی مدرن، برای خانواده‌ای هسته‌ای کافی می‌نمود. در این خانه‌ها فضاها بر اساس عملکرد، هویت مستقل یافته و با مبلمان مشخص تعریف شد.

- زن و مرد

در جامعه سنتی، تعصبات ملی، با توجه به سطح علمی و فرهنگی پایین، موجب دور نگه داشتن زنان از جامعه

خصوصی در یک ترکیب واحد، امکان کنترل فرزند بر هر دو والد ممکن شد. این سنت، در خانه‌های مورد بررسی ادامه یافت و با تعریف فضای آشپزخانه کنار نشیمن، امکان کنترل فرزندان، امور خانه و روابط نزدیک خانواده، در حین انجام امور منزل، برقرار شد و به مرور، مرز این دو فضا از بین رفت و آشپزخانه باز، هویدا گردید.

– میهمانان

نمود دیگر ارتباط، در رابطه با میهمانان، همسایه‌ها و بیگانگان شکل می‌گیرد. تکلف و عناصر متعدد در دستگاه ورودی، پاسخگوی میهمان‌نوازی ایرانیان، در حین حفظ حریمیت بوده برای مثال در هشتی، از غریبه‌ها پذیرایی می‌شد و اگر زمان ملاقات طولانی‌تر بود، به فضای بیرونی هدایت می‌شدند. در هر صورت غریبه به اندرونی راه ندارد و دسترسی اندرونی به هشتی با تمهیدی برقرار شده که افراد غریبه، محارم اندرونی را نبینند. در راستای جامعه‌پذیری زنان و برافتادن ساختار جنسیتی اندرونی- بیرونی، فضای پذیرایی و دفتر کار به فضایی برای استقبال از میهمانان بدل گردید که به واسطه ناهارخوری با فضای نیمه‌عمومی آشپزخانه و نشیمن در ارتباط است. در خانه‌های مورد بررسی چیدمان فضا به گونه‌ای است که، مسیر میهمانان در پیش‌فضا از اهل خانه جدا شده و معمولاً فضای نشیمن، واسطی بین فضای عمومی و خصوصی است.

۷-۴- محرمیت

در خانه ایرانی، بر رعایت حریم خصوصی در کنار تکریم مهمان، تاکید می‌گردد، بنابراین از دو الگوی تداخل قلمرو و مجزا نمودن آن بهره می‌برد (Bamianian and Amini 2017, 55-57). بنابراین، فضاهایی که نیاز به آسایش، آرامش و دور ماندن از اغیار دارند، باید از نظر دسترسی، ارتباط بصری و تبادل صوت، از حوزه مهمانان نامحرم، مجزا گردد. در این انتظام، عرصه خصوصی به عنوان فضای شخصی و عرصه عمومی به عنوان فضای مهمان در خانه شکل گرفته و فضای نیمه‌عمومی به عنوان فضای بینابین، برای تعریف، تحدید و ساختاربخشی سلسله‌مراتبی، فضایی بین آن دو تعریف می‌گردد؛ یعنی عرصه‌های نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی، فضاهای بینابینی دو عرصه اصلی را شامل می‌شوند.

با حضور موثر زنان در جامعه و جامعه‌پذیر شدن آن‌ها از طریق کسب علم و معرفت، دیگر محصوریت زنان در ساختار خانه، بی‌معنا شد و این بار، حفظ آرامش، آسایش و حفظ حریم خانواده اهمیت یافت. بنابراین، این بار محرمیت نه برای محصوریت بلکه برای تأمین نیازهای روانی و روحانی خانواده بازتعریف شد.

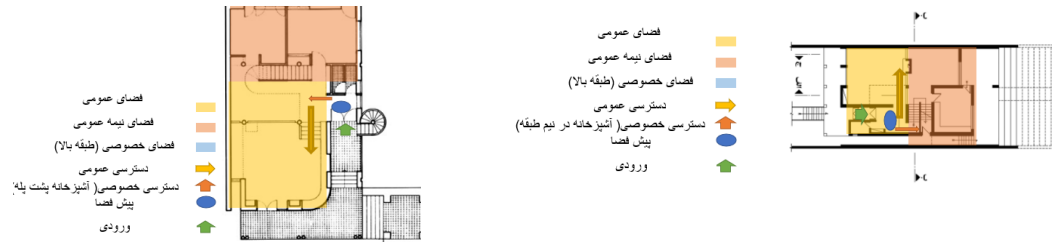
و محصوریت او در محیط بسته اندرون می‌گردید. در این ساختار، فضای زندگی زنان کاملاً بسته و جدا، و خانه از دو قسمت اندرونی و بیرونی تشکیل می‌شد؛ بیرونی محل حضور، فعالیت مردان و مراوده با افراد غریبه و اندرونی به زنان اختصاص داشت و دسترسی، ارتباط بصری و تبادل صوت، از حوزه مردان نامحرم، کاملاً تفکیک شده بود. این تفکیک، شامل نگاه‌های غیرارادی و ناخواسته نیز می‌شد که برای مثال، ورودی اندرونی توسط دالانی به هشتی خانه می‌رسید که به بیرونی راهی نداشت، بنابراین زنان هنگام عبور و مرور احتیاج به گذشتن از قسمت بیرونی نداشتند و از چشم مهمانان به دور می‌ماندند (Kasra 2010, 4-5).

ساختار خانواده هسته‌ای بر زن، مرد و فرزندان استوار است و در این سیستم زن همراه مرد، و دوشادوش او به فعالیت می‌پردازد؛ بنابراین سنت ازدواج بر اساس حب و دوستی تعریف شده و زن دیگر محصور اندرونی نیست. با فراهم شدن امکان تحصیل زنان و گسترش حضور آن‌ها در جامعه و سپس فعالیت در آن و تعریف زن به عنوان شریک اقتصادی مرد، ساختار اندرونی و بیرونی برچیده شد و با عملکردی شدن فضاها در خانه‌های معاصر، فضای خصوصی نه برای محصوریت جنس خاص، بلکه برای حفظ آرامش و آسایش اعضای خانواده بازتعریف گردید. در خانه‌های دهه‌ی بیست، فضای عمومی و خصوصی در تفکیک ارتفاعی مجزا تعریف شد و در خانه‌های مورد بررسی این پژوهش، فضای آشپزخانه در ترکیب با نشیمن، به عنوان فضای نیمه‌عمومی به عنوان حلقه واسط دو عرصه، تعریف گردید.

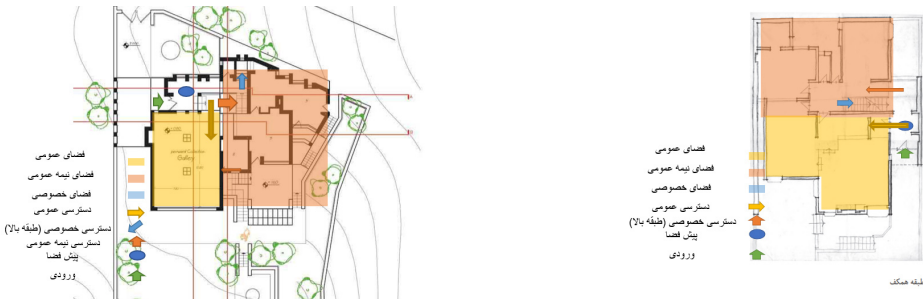
– مادر و فرزند

در عرصه سنت، بانی امور تربیتی فرزند بر حسب سطح فرهنگ و تمول خانواده، تعیین می‌گردد. در خانواده‌های سطح پایین و متوسط، بر عهده مادر و مادر بزرگ و در خانواده اعیان بر عهده لثه و دایه بود و معمولاً مادر بزرگ پدری، بر آن نظارت داشت. بنابراین زنان این طبقه با فرزندان خود فاصله داشته و کم‌تر در امور تربیتی او دخالت داشتند. در دوران مشروطه بر تربیت فرزندان توسط مادران تحصیل کرده برای دستیابی به ملتی مترقی تاکید شد (Dolatabadi 1946) و از وظایف اصلی مادری، در کنار فرزندآوری، پرورش فرزند، بهداشت و سلامت جسم و تربیت او عنوان گردید و در دوره پهلوی دوم با حضور ارگان‌هایی مانند سپاه دانش، بر آن تاکید گردید. در خانه‌های معماران نسل اول، در جهت بهداشتی نمودن فضا، حمام در کنار اتاق خواب استقرار یافت (Hakim 2001, 65) و همنشینی اتاق‌های خانه به عنوان فضای

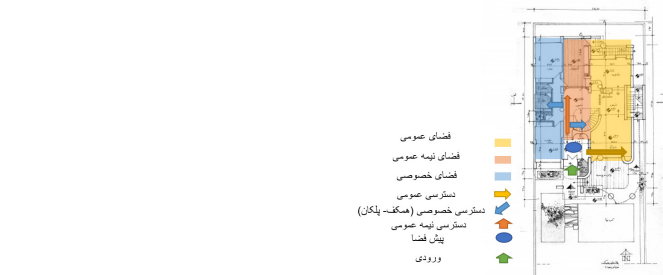
جدول ۸: محرمیت فضایی در خانه



خانه آذربا (سمت راست) خانه افشار (سمت چپ)



خانه فرهنگد (سمت راست) خانه اتناولی (سمت چپ)



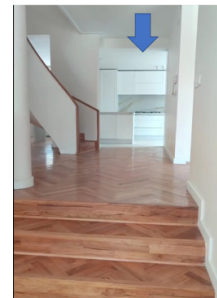
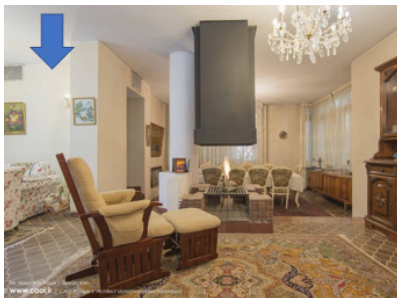
خانه معصومی

می‌شود و معمولا فضای هال و آشپزخانه نقطه اتصال دو حریم فضایی است. این فضاها یا مانند خانه کلانتری در نیمه طبقه است یا مانند خانه صارمی در طبقه همکف بعد از فضای عمومی و در کنار راه پله تعریف شاخص تعریف می‌گردد (جدول ۸ و ۹).

در این ساختار، ورودی از گوشه بنا با کنترل ارتباط بصری به پیش فضایی کوچک باز شده و در همان ابتدا مسیر فضای عمومی از خصوصی جدا می‌شود. در این ساختار فضای عمومی در کنار ورودی و فضای خصوصی یا مانند خانه نادریپور به عقب رانده شده یا در طبقات دیگر تعریف

جدول ۹: موقعیت قرارگیری فضای نیمه عمومی

خانه افشار (آشپزخانه در انتهای فضا) خانه آذربا (آشپزخانه در نیمه طبقه) خانه معصومی (آشپزخانه و نشیمن حلقه بین دو عرصه)



۷-۵- ارتباط با طبیعت در خانه مدرن

بهره‌گیری از نور، هوا و گشایش بنا رو به طبیعت از اندیشه‌های کهن شرق است که در معماری این دوره نیز به آن توجه شد. «آفتاب و روشنایی در زندگی سالم انسان کمال اهمیت را دارد؛ باید باور بیاوریم از آنجا که آفتاب وارد می‌شود مرگ داخل نمی‌شود» (Moshiri, 1948, 80). این بهره‌گیری در دو عنصر معنا می‌شود اول واشدگاه به طبیعت که این بار بر خلاف معماری سنتی، نه فقط حیاط داخلی بلکه رو به خیابان نیز تعریف شد؛ دوم استفاده مستقیم از طبیعت مانند حیاط که این بار از عنصر

ساماندهی و فضای زیست، تقلیل و به عنصری کنار فضا و در مواردی به عنوان فضای پارک اتومبیل تقلیل یافت. از نکات خاص این خانه‌ها نورگیری مرکزی از سقف در فضای خانه اسفندیار یمینی، نادرپور و صارمی است که ارتباط تازه‌ای را معنا می‌کند.

۸. تحلیل داده‌ها

از بررسی اصول خانه ایرانی و تطبیق آن با خانه‌های مورد بررسی، می‌توان بازتفسیر این اصول را در جدول ذیل مشاهده نمود (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: بازتفسیر اصول معماری ایرانی در آثار معماران پهلوی دوم

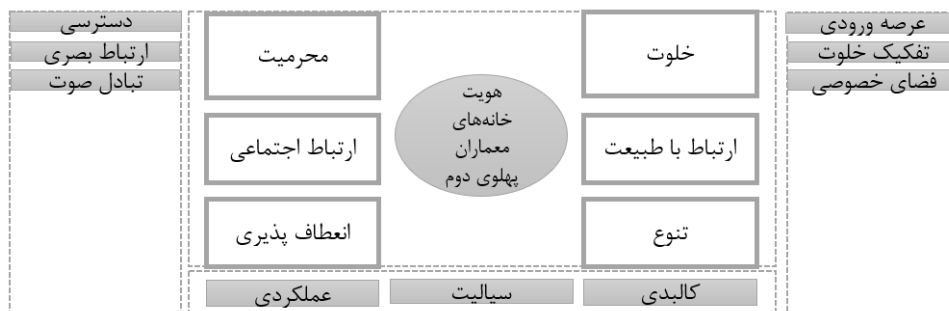
اصول هویت بخش	تغییرات صورت پذیرفته	نمود آن در خانه‌های پهلوی دوم	نمونه
تعمیرات	عرصه ورودی	ضمن تأمین دسترسی مجزا به فضای عمومی و فضای خصوصی، محدودکننده، بسته و پرتکلف نیست.	
اصول	تفکیک خلوت	تأمین خلوت جمعی، با محوریت فضای نشیمن و آشپزخانه	
اصول	فضای خصوصی	اتاق خواب، با مبلمان و عملکرد مشخص، دارای هویت مستقل	اتاق خواب حمام
تنوع و انعطاف پذیری	عملکردی کالبدی	همنشینی فضای باز، بسته و پوشیده، تنوع ارتفاع و کیفیت نور و سیالیت فضایی	
ارتباطات اجتماعی	تطبیق پذیری	تشخص فضاها بر اساس عملکرد و مبلمان	-
ارتباطات اجتماعی	تغییر پذیری	عدم امکان گسترش فضایی به خاطر مبلمان مشخص	-
ارتباطات اجتماعی	خانواده	تفکیک فضا بر اساس نیاز خانواده هسته‌ای	طبقه همکف فضای عمومی طبقات دیگر فضای خصوصی
ارتباطات اجتماعی	زن و مرد	عرصه‌بندی فضایی برای کسب آرامش نه تفکیک جنسیت	طبقه همکف فضای عمومی طبقات دیگر فضای خصوصی
ارتباطات اجتماعی	مادر و فرزند	تعریف اتاق‌ها در یک وزن واحد با حمام مشخص	اتاق خواب حمام
ارتباطات اجتماعی	میهمانان	اتاق پذیرایی مشخص در ورودی خانه و عدم لزوم حضور افراد بیگانه در فضاهای خصوصی با فیلتر ورودی	
ارتباطات اجتماعی	دسترسی	رعایت عرصه‌بندی و سلسه‌مراتب فضایی از عمومی تا خصوصی و فضای نیمه‌عمومی به عنوان فضای واسط	
ارتباطات اجتماعی	ارتباط بصری	دارای طراحی آزاد و مسیر دید گسترده جریان سیال از اتاق‌ها به تراس بیرونی	سیالیت فضا
ارتباطات اجتماعی	تبادل صوت	دارای طراحی آزاد	سیالیت فضا
ارتباطات اجتماعی	ارتباطات با طبیعت	فضاها رو به فضای بیرون دارند.	رو به محیط آزاد

۹. نتیجه گیری

در دوره‌ی دوم پهلوی، در بازه زمانی میان سال‌های دهه ۴۰ تا ۵۰ با فراهم شدن امکانات رفاه زندگی، بهداشت، افزایش جمعیت و سرازیر شدن درآمدهای نفتی، شهر تهران، به تدریج گسترش یافت و خانه‌های اعیانی از قسمت مرکز شهر، به بیلاق‌های شمال شهر رفتند. همزمان با تحولات ساختاری آموزش معماری، حضور فارغ‌التحصیلان ایتالیایی در بدنه آموزشی دانشگاه تهران و تغییر سبک آموزشی، هنر و اندیشه بر دوران مدرن چیره گشته و فرهنگی جدید در جامعه ایران و معماران ایرانی ظهور یافت. بخشی از جامعه سنتی با ظهور مدرنیته و تکنولوژی به سرعت پیش رفته و با غلبه خواسته‌های سبک زندگی نوین، از قالبی سنتی عبور کرده و وارد عرصه‌ی مدرنیته شد؛ که این فرهنگ نوظهور، با معرفی کارفرمای تازه، گونه‌ای جدید از سازماندهی فضایی را طلب نمود که این بار منطبق با نیازهای تازه و خواستار اهمیت به نهاد خانواده بود که برخلاف گذشته، نظامی هسته‌ای یافت. همزمان، زنان اولین تشکل منسجم خود را تجربه کرده و

در زمینه قانونی به واسطه انقلاب سفید، صاحب حق رأی شدند و زنان تحصیل کرده توانستند به مشاغل و مناصب بالاتری دست یابند حتی در مواردی حقوق زنان نسبت به همسران بیش تر بود و با کسب کرسی در مجلس، موفق به تصویب قانون حمایت از خانواده گشتند. خانه، برآمده از فرهنگ و باور مردمان است و با تغییر باورها ساختارش دچار تغییر می‌گردد. خانه‌های دهه بیست که توسط معماران تحصیل کرده فرنگی ساخته شد در امتداد شعار معماری مدرن، از گذشته فاصله گرفت و با اندیشه مردمان فاصله زیادی داشت و در کنار کشف حجاب اجباری، خانه نیز بی‌مقدمه چهره به بیرون نهاد. اما بستر دانشگاه فرصتی بود برای قوام اندیشه و در امتداد حرکت پست مدرن در جهان و در تشویق نگاه به گذشته و طراحی برای مردم و لزوم بازخوانی زندگی ساکنان با توجه به نیازها و خواسته‌ها، بنابراین، اصول خانه با توجه به ساختاری مبتنی بر خانواده هسته‌ای و نقش زن که این بار در قامت مدیر امور خانه و شریک زندگی مرد، ظاهر شده بازتعریف گردید.

شکل ۶: اصول هویت بخش خانه ایرانی در آثار منتخب معماران هویت مدار پهلوی دوم



فضای خانه باز می‌شود اما بر خلاف خانه‌های پهلوی اول، ورودی شاخص به کنجی رفته و ساکنان را از فضای زندگی روزمره جدا می‌کند و در پیش‌فضا حضورش در محیطی متفاوت را متذکر می‌شود. همچنین عرصه خصوصی و عمومی بازتعریف، و این بار با تعریف کف‌های متعدد و سیلان فضایی، محرمیتی تازه معنا یافت که هدفش حفظ حریم و آرامش خانواده هسته‌ای مبتنی بر مودت زن و مرد است نه محدود نمودن زنان و این عرصه‌ها در ترازهای مختلف، با مرزی متخلخل به واسطه، حلقه نشیمن و آشپزخانه، تعریف گردید که کنترل حریم در عین سیالیت فضایی، معرف هویت تازه است که این بار صمیمیت خانواده هسته‌ای را فراهم می‌آورد.

در خانه‌های سنتی ایرانی، اصل حاکم بر تفکیک زن و مرد و مستوری زنان است و فضاها در جهت رفع نیاز خانواده گسترده سامان یافته است. بنابراین اندرونی، محمل زنان و بیرونی جایگاه مردان و اغیار است که به طور کامل از لحاظ دسترسی، صوت و نگاه محدود و بسته بود و حتی برای آرامش خانواده، طبیعت را به تسخیر خویش درآورده و خانه به حیاط درونی روی می‌نمود. در این ساختار، فردگرایی جایگاهی نداشت و حتی فضای خلوت خصوصی نیز در جهت حضور جمعی معنا یافته و به واسطه ساختار منعطف، حریم فضا به راحتی از بین رفته و دو فضا به هم گشوده می‌شد.

در ساختار خانه‌های مورد بررسی، دیگر از چینش اتاق‌ها بر گرد فضای مرکزی خبری نیست و ورودی مستقیم به

جدول ۱۱: بازتعریف ساختار خانه بر اساس تغییر ساختار خانواده و نقش زن

اصول هویت بخش	اصول فرهنگی حاکم در خانه سنتی	ساختار خانه سنتی	اصول فرهنگی حاکم در خانه مدرن	ساختار خانه مدرن
عرصه ورودی	مستوری زنان تفکیک زن و مرد	پرتکلف پر عناصر (هشتی، دالان و راهرو)	مودت زن و مرد	ساده
تفکیک خلوت	حضور خانواده گسترده کنترل دید	حیاط، مرکز گردهمایی (خلوت جمعی)	حضور خانواده هسته‌ای گسترش دید	نشیمن و آشپزخانه
فضای خصوصی	جمع‌گرایی	اتاق سهدری	فردگرایی	اتاق خواب (عملکردی)
کالبدی تنوع	خانه برای خانواده گسترده	تنوع در فضاهای باز بسته، پوشیده	خانه برای خانواده هسته‌ای	تنوع در فضاهای باز بسته، پوشیده
عملکردی	فضاهای چندعملکردی	فضاهای چندعملکردی	فضاهای تک عملکردی	فضاهای تک عملکردی
تطبیق پذیری	تابستان نشین زمستان نشین	تابستان نشین زمستان نشین	فضا با میلمان و کاربری مشخص	فضا با میلمان و کاربری مشخص
تغییر پذیری	امکان گسترش با محوریت حیاط	امکان گسترش با محوریت حیاط	عدم امکان گسترش	عدم امکان گسترش
خانواده	تفکیک فضا بر اساس زن و مرد	اندرونی - بیرونی	خانواده هسته‌ای	تفکیک فضا بر اساس روزانه و شبانه
زن و مرد	تفکیک زن و مرد	زن در اندرونی مرد در بیرونی	مودت زن و مرد	اتاق خواب واحد
مادر و فرزند	نقش زن، زاینده	اتاق جداگانه با فاصله	مادر مسئول تربیت فرزند	تعریف اتاق‌ها در یک زون واحد
میهمانان	تفکیک مهمان زن و مرد	اندرونی و بیرونی	پذیرایی از میهمان زن و مرد	اتاق پذیرایی
دسترسی	محدود نمودن دسترسی	سلسله مراتب عمومی تا خصوصی	کنترل دسترسی	سلسله مراتب عمومی تا خصوصی
ارتباط بصری	محدودیت بصری	بسته بودن فضا	کنترل بصری	سیالیت فضا
تبادل صوت	محدودیت صوت	بسته بودن فضا	کنترل صوت	سیالیت فضا
ارتباط با طبیعت	طبیعت کنترل شده	رو به حیاط مرکزی	طبیعت آزاد	رو به محیط آزاد

تنوع و انعطاف پذیری

ارتباطات اجتماعی

محرمانگی

کنسول‌ها و طره‌های آزاد، بازشوها و ترکیب‌بندی‌های متعدد فضایی، تنوع کالبدی متفاوتی را تضمین نمود. در کنار معنا یافتن هویت فردی، اتاق‌های عملکردی مانند اتاق خواب با میلمان مشخص تعریف شد که با تاکید بر آرامش کاربر، در لایه‌های درونی سلسله مراتب فضایی، جای گرفت. تمام این تغییرات، در بستر انعطاف ساختار خانه ایرانی، محقق شد و اصول نام آشنای آن با رنگ و بویی تازه، بستر سبک زندگی نو با توجه به تحول نظام خانواده و تغییر نقش زن در خانواده و اجتماع بود. در آخر برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود، به بررسی دقیق‌تر آثار دیگر معماران، دوره پهلوی دوم پرداخته و در مورد

پله نمودی تازه گرفت و به عنصری با جلوه‌ای بیرونی بدل گشته و در برخی خانه‌ها نقش اتصال دو عرصه را بازی نمود. با کاربست سلسله مراتب از عرصه عمومی به خصوصی عدم امکان نفوذ مستقیم به فضاها و ارتباط بصری کنترل شده از ترازها فراهم شد و با تعریف حوزه‌ی سرویس‌دهنده (ناهارخوری و آشپزخانه)، به عنوان مرزی میان حوزه خصوصی و عمومی در تراز مجزا تعریف جدیدی از اتصال و سلسله مراتب فضایی تعریف گردید. با بی‌اعتبار شدن حیاط، محوریت فضا به کالبد داده شد و با روی نمودن خانه به فضای خارج، فضاهای نیم‌باز به صورت بازی توده و فضا که شامل پله‌های شاخص،

چگونگی کاربست اصول به‌دست آمده در پژوهش حاضر، با ژرفاندیشی در طراحی خانه‌های معاصر اعمال گردد، تا در فضای معماری سکونتگاه‌های دیگر، بررسی و تحلیل قرار گیرد و با توجه به هدف پژوهش، اصول به‌دست آمده راه‌گزینی از بی‌هویتی خانه امروز باشد.

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تاییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

فهرست منابع

- Abbasi-Shavazi, J., and P. McDonald. 2008. Family change in Iran: Religion, revolution and the state. In *International Family Change: Ideational Perspectives* edited by R. J. A. T. A. W. A., 177-198. Taylor & Francis Group.
- Abrahamian, Ervand. 2008. *A History of Modern Iran*. Cambridge University Press. ISBN 978-0521821391.
- Aghalatif, Azadeh. 2016. Investigation of the Developments of Residential Species in Tehran with Emphasis on Lifestyle (Phase Two Report: General Identification of Species and Factors Affecting Them), Reviewed by Seyyed Mohammad Beheshti. Vol. 2 and Vol. 3. Tehran City Studies and Planning Center. [in Persian]
- Ahmadi, Farhad. 1999. Interview with the Architect. *Abadi Journal* (58): 9-18. <https://www.caoi.ir/fa/study/1248>. [in Persian]
- Alizadeh, Mehdi. 2015. *Interview with Architect*. Art and Architecture Magazine. [in Persian]
- Alizadeh, Mehdi. 2017. *Interview with Architect*. Memar Magazine. [in Persian]
- Al-Jordi, H. 1997. Power Structure in the Family. Master's Th. Tehran University. [in Persian]
- Archer, J. 2005. Social Theory of Space: Architecture and the Production of Self, Culture, and Society. *Journal of the Society of Architectural Historians* 64(4): 430-433. DOI: [10.2307/25068197](https://doi.org/10.2307/25068197)
- Arjmand, M. and S. Khani. 2012. The Role of Solitude in Iranian House Architecture. *Journal of Studies On Iranian - Islamic City* 2(7): 27-38. <https://sid.ir/paper/177360/en>. [in Persian]
- Azimi Hassanabad, Alireza. 2010. *Thoughts of Contemporary Iranian Architects*. Tehran: Farhang Saba Press. [in Persian]
- Bani Masoud, Amir. 2019. *Contemporary Architecture in Iran from 1925 to the Present*. Mashhad: Kasra Press. [in Persian]
- Bavar, Sirous. 2009. *A Look at the Emergence of Modern Architecture in Iran*. Tehran: Faza Scientific and Cultural Institute. [in Persian]
- Bavar, Sirous. 2023. Interview with Sirous Bavar, By Elnaz Amirzadeh Dana. [in Persian]
- Bemanian, M. R., and Somayeh Amini. 2017. *Social Architecture of the Iranian House*. Tehran: avvaloakhar Press. [in Persian]
- Berman, Marshall. 1982. *The Experience of Modernity*. Translated by Morad Farhadpour. Tehran: Tarh-e-no Press. [in Persian]
- Boştan, H. 2006. A Review of Gender-Role Theories. *Woman in Development & Politics* 4(1-2): 5-31. <https://sid.ir/paper/55554/fa>. [in Persian]
- Bourdieu, P. 1984. *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Cambridge (MA): Harvard University.
- Bourdieu, P. 1990. *The Logic of Practice*. (R. Nice, Trans.) Stanford, Calif: Stanford University Press.
- Bourdieu, P. 1996. *Physical Space, Social Space and Habitus*. (U. o. Willem Aubert Memorial Lecture, Interviewer).
- Diba, Darab. 1995. A Review of Contemporary World Architecture and the Issue of Identity. *Journal of Fine Arts* 1(1): 46-57. <https://sid.ir/paper/477239/fa>. [in Persian]
- Fadaei Mehrabani, Vahid, and Mehdi Bani-Asadi Baghmirani. 2025. From the Central Courtyard to Spatial Framing: Changes in Mass and Empty Space in Tehran's Residential Architecture. *Architectural Technologies Studies* 2(15). <http://noo.rs/R62bb>. [in Persian]
- Ghotbi, Ali Akbar. 2008. The Concept of Identity and Architecture Today in Iran. *Aineh Khial* 2(10): 83-87. <https://sid.ir/paper/462555/fa>. [in Persian]
- Golabi, Maryam. 2018. Changing discourses on visibility and invisibility in Iranian domestic architecture: a case study in Vali-Asr district in Tabriz (1980-2000). Ph.D. dissertation in Department of Architecture at Middle East Technical University. <https://hdl.handle.net/11511/27911>
- Goode, J. William. 1973. *Family and Society*. Translated by Vida Naseh. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Persian]
- Haeri, Mohammad Reza. 2016. *House, Culture, and Nature in Iranian Architecture*. Tehran: Urban Planning and Architecture Research Center Publications. [in Persian]
- Hojjat, I. 2005. Identity that creates man, man that creates identity (a reflection on the relationship between identity and architecture). *Journal of Fine Arts* 10(4): 55-62. <https://sid.ir/paper/433654/fa>. [in Persian]
- Kalantari, Iraj. 1977. On Truth; On Architecture (Interview with the Architect). <https://koubeh.com/wp-content/uploads/2021/12/Koubeh-IrajKalantari.pdf>. [in Persian]
- Kalantari, Iraj. 1969. Introduction to Works. *Art and Architecture Magazine* 17(5): 29-30. [in Persian]
- Kalantari, Iraj. 1973. Interview with the Architect. *Art and Architecture Magazine* 17(5): 29-30. [in Persian]
- Karimi, P. 2013. *Domesticity and Consumer Culture in Iran: Interior Revolutions of the Modern Era*. London & New York: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203072905>

- Khamenehzadeh, H. 2017. An Introduction to the Concept of Privacy and How it is Realized in the House Life-Worldl Comparative Study in Pre-modern and Modern Iranian Houses. *Journal of Bagh-e Nazar* 14(49): 33-44. <https://sid.ir/paper/518185/fa>. [in Persian]
- Mannan, Rami. 2019. Museum of Islamic Art in Qatar by IM Pei: Tradition and Modern Development in Islamic Architecture. NCUR. <https://libjournals.unca.edu/ncur/wp-content/uploads/2021/03/2790-Mannan-Rami-FINAL.pdf>
- Marefat, M. 1988. Building to Power: Arhitecture of Tehran 1921-1941. Massachusetts: Unpublished Dissertation, Massachusetts Institute of Technology.
- Mokhtari Taleghani, Eskandar. 1977. *The Heritage of Modern Iranian Architecture*. Tehran: Cultural Research Office. [in Persian]
- Mónica Alcindor, and Daniel Coq-Huelva 2019. Refurbishment, vernacular architecture and invented traditions: the case of the Empordanet (Catalonia). *International Journal of Heritage Studies*. DOI: [10.1080/13527258.2019.1678054](https://doi.org/10.1080/13527258.2019.1678054)
- Moshiri, Iraj. 1997. Issues Related to Architecture. *Architect* (4): 80-85. [in Persian]
- Naghizadeh, Mohammad. 2006. The Relationship between the Identity of “Iranian Architectural Tradition” with “Modernism” and “Nogaraï”. *Journal of Fine Arts* (7): 91-97. <https://sid.ir/paper/5795/fa>. [in Persian]
- Nasiri, Negar. 1388. A Comparative Study of the Concept of Solitude in the Iranian Introverted House and the Western Extroverted House. *Journal of Fine Arts* (39). DOI: [10.22059/jfaup.2018.68319](https://doi.org/10.22059/jfaup.2018.68319). [in Persian]
- Paidar, P. 1995. *Women and the political process in twentieth-century Iran*. New York: Cambridge University Press.
- Rabiee, R., Darab Diba, and Mansour Flamaki. 1999. Recognizing the Components Shaping Iranian-Islamic Identity in Historic Iranian Houses. *Journal of Islamic Art Studies* 49. DOI: [10.22034/ias.2022.339682.1949](https://doi.org/10.22034/ias.2022.339682.1949). [in Persian]
- Radmard, Taghi, and Ali Akbar Saremi. 1995. *Enduring Values in Iranian Architecture*. First Edition. Tehran: Cultural Heritage Organization. [in Persian]
- Roštam Kolai. 1992. Foreign Education, Women’s Press, and the Discourse of Scientific Domesticity in Early Twentieth-Century Iran. In *Iran and the Surrounding World: Interactions in Culture and Cultural Politics*, edited by R. P. Mathee, & N. R. Keddie (pp. 182-204). Seattle: University of Washington Press.
- Roth, L. M. 2018. Understanding architecture: Its elements, history, and meaning. Routledge. ISBN: 9780429964138.
- Sala, B. 2016. L’arquitectura Tradicional: Del Menyšteniment a La Mitificació. In *Arquitectura tradicional. Essència o forma. Un Debat obert al voltant de la intervenció a l’arquitectura vernacla*, edited by M. Alcindor and J. M. Fortià, 19-24. DOI: [10.13140/RG.2.2.21093.14565](https://doi.org/10.13140/RG.2.2.21093.14565)
- Sanasarian, Eliz. 2005. *The women’s rights movement in Iran: mutiny, appeasement, and repression from 1900*. Translated by Noushin Ahmadi Khorasani. Tehran: Akhtaran Press. [in Persian]
- Sarai, Hassan. 2007. Continuity and Change in the Family in the Context of Demographic Transition. *Journal of Population Association of Iran* 1(2): 37-60. <https://sid.ir/paper/517901/fa>. [in Persian]
- Saremi, Ali Akbar. 1995. Modernity and Its Results in Architecture and Urban Planning of Iran. *Goftogu* 10: 57-70. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/320268>. [in Persian]
- Saremi, Ali Akbar. 1996. Footprints of New Iranian Architecture in the Atelier of the 1940s. *Abadi Quarterly* 6(21): 61-54. <https://www.caoi.ir/fa/study/1253>. [in Persian]
- Saremi, Ali Akbar. 2009. *Warp and Weft and Still...: My Story and Our Architecture*. Tehran: Art of Century Architecture. [in Persian]
- Weisman, L. K. 2000. Women’s Environmental Rights: A Manifesto. In *Gender space architecture: an interdisciplinary introduction*, edited by J. Rendell, B. Penner, & I. Borden (pp. 1-6). New York: Routledge.
- Yousef A. M., Al Haroun. 2019. Perceptions of the Courtyard in Kuwait: Between Tradition and Modernity. *Journal of Arabian Studies* 9(2): 182-208. DOI: [10.1080/21534764.2019.1770422](https://doi.org/10.1080/21534764.2019.1770422)
- Zarghami, Esmaeil, and Seyyed Ashraf Sadat. 2016. *Characteristics of Iranian-Islamic Architecture in Residential Complexes*. Tehran: Shahid Rajaee University Press. [in Persian]
- Zarkesh, Afsaneh. 2011. Factors Affecting the Architecture of Private Buildings in the First Pahlavi Period. *Book of Month: Art Magazine* (160): 98-108. <https://www.magiran.com/p939451>. [in Persian]
- Zibiyanejad, Mohammad Reza. 2009. Differences, Identity and Gender Roles. In *the collection of articles on Identity and Gender Roles* (first edition). Tehran: Center for Women and Family Affairs of the Presidential Institution. [in Persian]

نحوه ارجاع به این مقاله

امیرزاده دانا، الناز، مریم ارمغان، ماندانا یوسفی، و سمیه سادات شفیعی. ۱۴۰۴. بازتفسیر اصول هویت بخش خانه ایرانی در آثار معماران دوره پهلوی دوم بر اساس تغییر نقش زن در خانواده و جامعه. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۸ (۵۳): ۱۷-۴۱.

DOI: 10.22034/AAUD.2025.555628.3006

URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_240617.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

